

غیر قابل فروش

خوبید ماه

ماہنامہ محتوایی ویژه محافل

و جلسات قرآن و عترت علیہم السلام

شماره چهارده - خرداد ۱۴۰۵





ماهنامه محتوایی ویژه مبلغان
ومرییان قرآن و عترت

شماره چهارده - خرداد ۱۴۰۵

پرنفین قرآن کریم



خانواده طلاب هنرمند

تهیه شده در:

بدیع (دستیار ایده و محتوای قرآنی)

هرگونه استفاده و ترویج خورشید و ماه در
منابر، کلاس‌ها، جلسات و محافل قرآنی **جایز**
و موجب خوشحالی تولیدکنندگان است.

نویسندگان:

مرتضی حاجی‌وند

طراح لوگو: حسن کریمی

صفحه‌آرایی: غلامعلی جزینی



در اسلام دو عید است که به عنوان عید اسلامی به رسمیت شناخته شده است: عید شریف فطر عید است برای ضیافة الله، و عید شریف قربان عید است برای لقاء الله. و آن عید که ضیافة الله است، مقدمه است برای لقاء الله، و این که امر شده است به حضرت ابراهیم که فریاد بزن تا بیایند پیش تو، برای این که راه راهی است که از طریق ولی الله باید طی بشود، از طریق اولیاء الله باید طی بشود، و حضرت ابراهیم علیه السلام ولی وقت بود و ولی است برای همه نسل ها، و رسول اکرم صلی الله علیه و آله ولی اعظم است و ولی است برای همه عالم، و از راه این ها باید رسید به آنجایی که باید رسید.

صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص ۱۱۸ و ۱۱۹.



روز عید قربان تا روز عید غدیر، در واقع یک مقطعی است متصل و مرتبط با مسئله امامت. خدای متعال در قرآن یاد می‌فرماید: ﴿و اذ ابتلی ابراهیم ربّه بکلمات فاتمهنّ قال انّی جاعلک للنّاس اماماً﴾. ابراهیم از طرف پروردگار منصوب شد به امامت. چرا؟ چون از عهده امتحان‌های دشوار برآمد. مبدأ این را می‌شود روز عید قربان به حساب آورد، تا روز عید غدیر که روز امامت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب -علیه‌الاف‌التّحیّة و الثّناء- است. این هم به دنباله امتحانات سخت بود. امیرالمؤمنین علیه‌السلام طول حیات مبارکش را با امتحان-امتحان‌هایی که از آن سرافراز بیرون آمده است- گذرانده؛ از سیزده‌سالگی یا یازده‌سالگی و قبول نبوت تا لیلۃ‌المبیت، یک جوان فداکار و فانی در پیغمبر که آماده است جان خود را فدای پیغمبر بکند -عملاً این را در ماجرای هجرت پیغمبر به اثبات می‌رساند- و بعد هم آن امتحان‌های بزرگ در بدر و احد و حنین و خیبر و بقیه جاها. این منصب والا، دنباله این امتحان‌هاست؛ لذا دل‌ها متوجه شده است به این‌که بین عید قربان و عید غدیر یک ارتباط است. بعضی هم این را «دهه امامت» نامیده‌اند و نام مناسبی است.

بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور، ۴/۹/۱۳۸۸.

فهرست مطالب

۷ برای شروع...

۸ برای مریبان و مبلغان

۱۰ خورشید (مناسبت‌های شمسی)

۱۱ ۳ خرداد - سالروز فتح خرمشهر

۲۰ ۱۴ خرداد - سالروز رحلت امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ

۲۹ ۱۵ خرداد - سالروز قیام خونین پانزده خرداد

۳۹ ماه (مناسبت‌های قمری)

۴۰ ۷ ذی‌الحجه - سالروز شهادت امام محمد باقر عليه السلام

۴۸ ۹ ذی‌الحجه - روز عرفه

۵۳ ۱۰ ذی‌الحجه - عید سعید قربان

۶۰ ۱۵ ذی‌الحجه - سالروز ولادت امام هادی عليه السلام

۶۶ ۱۸ ذی‌الحجه - عید سعید غدیر

۷۷ ۲۰ ذی‌الحجه - سالروز ولادت امام کاظم عليه السلام

۸۳ ۲۴ ذی‌الحجه - سالروز مباحله پیامبر با نصرانیان



برای شروع

سال‌ها پیش ایده‌ای شکل گرفت برای شناساندن مناسبت‌های شمسی و قمری تقویم به مردم. بسیاری از مناسبت‌ها در تقویم درج شده‌اند اما کمتر کسی از ما می‌داند که دلیل اهمیت آن‌ها یا داستان‌شان چیست. بعد از چندی، این ایده تغییر کرد و با محوریت قرآن شکیلی نو به خود گرفت و شد آنچه که اکنون پیش روی شماست: «خورشید و ماه»؛ ماهنامه‌ای برای معرفی مناسبت‌ها و پیوند آن‌ها به آیات قرآن و سخنان اهل بیت علیهم‌السلام.

گرچه این ماهنامه برای عموم افراد قابل استفاده است اما در نگاه اول، برای فعالان قرآن و عترت تولید شده است. اگر مربی، مبلغ، معلم یا برگزارکننده جلسات و کلاس‌های مذهبی هستید، «خورشید و ماه» می‌تواند همراه مناسبی برای شما باشد. در هر شماره از این مجله، برای هر مناسبت یک آیه محوری انتخاب شده است؛ بعد از توضیح مناسبت، پیوند آن با آیه مورد بررسی قرار گرفته است و در ادامه نیز روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام و بیاناتی از رهبر معظم انقلاب مدته آورده شده تا بهره‌م مخاطب از خوان معنوی کامل شود.

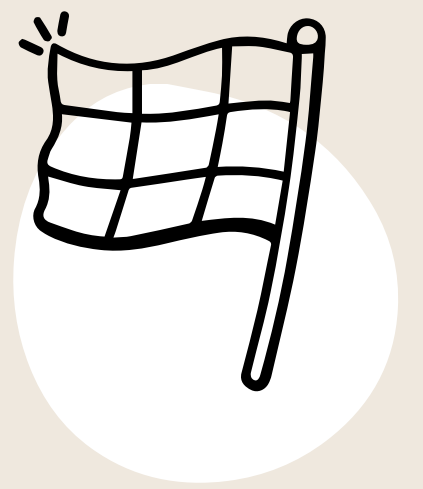
مزید امتنان است که ما را از نظرات ارزشمندتان بی‌نصیب نگذارید. بی‌شک نظرات شما چراغ راه ادامه مسیر این کار کوچک خواهد بود؛ ان شاء الله.

برای مریبان و مبلغان

فارغ از نوع فعالیت شما- جلسات خانگی قرآن، هیئت‌های مذهبی، پایگاه‌های بسیج یا سایر محافل- می‌توانید از این شیوه‌نامه برای ارائه مؤثر محتوای «خورشید و ماه» استفاده نمایید. دقت کنید که این روش، الگوی پیشنهادی ماست و شما باید با خلاقیت خود و با در نظر گرفتن ویژگی‌های مخاطبان، زمان و شرایط خاص منطقه خود، آن را مناسب‌سازی کنید.

۱. گام اول: شروع (۱۰ دقیقه)

جلسه را با توضیحی مختصر و جذاب درباره موضوع شروع کنید. این بخش باید به گونه‌ای طراحی شود که ذهن مخاطبان را برای درک بهتر محتوا آماده سازد.



۲. گام دوم: مشارکت مخاطب (۱۰ دقیقه)

در صورت حضور افرادی که درباره موضوع آگاهی یا تجربه‌ای دارند، فرصتی فراهم کنید تا به بیان خاطرات یا اطلاعات خود بپردازند. این کار باعث افزایش مشارکت و جذابیت جلسه خواهد شد.



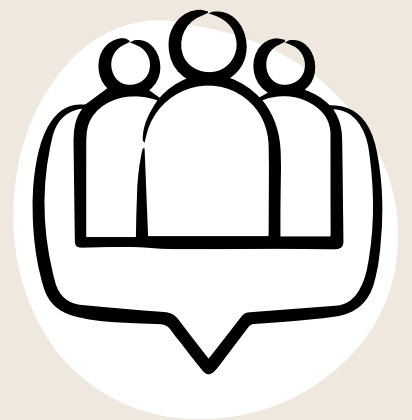
۳. گام سوم: تلاوت آیه (۵ دقیقه)

مربی یا یکی از شرکت‌کنندگان آیه را تلاوت کنند. سعی کنید همه افراد را به مشارکت در تلاوت تشویق و در صورت نیاز، تلاوت آیه را تکرار کنید. همچنین، بیان ترجمه قابل فهم آیه را فراموش نکنید.



۴. گام چهارم: مشارکت مخاطب (۱۰ دقیقه)

پیش از ارائه تفسیر و توضیح، از مخاطبان بخواهید برداشت شخصی خود از آیه را بیان کنند و ارتباط آن را با مناسبت مورد بحث مطرح نمایند. این گفت‌وگوی گروهی به فهم عمیق‌تر و ماندگارتر پیام جلسه کمک می‌کند.



۵. گام پنجم: جمع‌بندی (۱۰ دقیقه)

با اشاره به مفهوم محوری آیه و پیوند آن با مناسبت، مطالب را جمع‌بندی کنید و مصادیق عملی این آیه را در زندگی روزمره بیان کنید.



۶. گام ششم: عهد

در پایان، با شرکت‌کنندگان عهد ببندید تا مفاهیم آیه را در زندگی خود به کار ببندند.





مناسبت‌های شمسی

۳ خرداد: سالروز فتح خرمشهر

۱۴ خرداد: سالروز رحلت امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ

۱۵ خرداد: سالروز قیام خونین پانزده خرداد



۳ خرداد - سالروز فتح خرمشهر

آیه محوری



﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ * وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾؛ «هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا رسد و ببینی که مردم دسته دسته در دین خدا درآیند، پس پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش تسبیح گوی و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه پذیر است.»

۱. سوره مبارکه نصر/۱-۳.



دربارهٔ مناسبت

سوم خرداد سال ۱۳۶۱ یکی از سرنوشت‌سازترین روزهای تاریخ ایران است؛ روزی که خرمشهر، پس از ۵۷۸ روز اشغال، فتح شد و به آغوش وطن بازگشت؛ این اتفاق معادلات جنگ تحمیلی را دگرگون کرد.

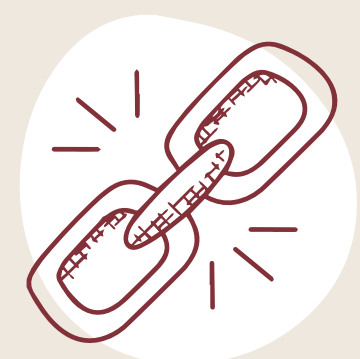
خرمشهر، نخستین شهری بود که ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آماج حملات گستردهٔ ارتش بعث عراق قرار گرفت. با این حال، این شهر قرار نبود به آسانی سقوط کند. علی‌رغم خیانت‌های دولت وقت، مقاومت نیروهای مردمی، تکاوران نیروی دریایی و سپاه پاسداران به فرماندهی شهید محمد جهان‌آرا، ماشین جنگی عراق را سی و چهار روز زمین‌گیر کرد. سرانجام در ۴ آبان، شهر به اشغال درآمد و مطبوعات عراقی اعلام کردند که محمّره سرزمین اجدادی است و نیروهای عراق آن را برای ابد بازپس گرفته‌اند؛ اما این ابد مقابل مقاومت رزمندگان اسلام دیری نپایید.

پس از چند عملیات ناموفق در ماه‌های ابتدایی، زنجیره‌ای از عملیات‌های موفقیت‌آمیز همچون «ثامن‌الائمه» و «فتح‌المبین»، زمینه را برای گام نهایی فراهم کرد. عملیات

عظیم «الی بیت المقدس» در پهنه‌ای به وسعت ۶۰۰۰ کیلومتر مربع در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ آغاز شد و طی بیست و پنج روز و چهار مرحله به اجرا درآمد. در سوم خرداد، حلقه محاصره شهر کامل شد، دشمن در هم شکست و با نابودی صد و پنج تانک و هلاکت حدود شانزده هزار و اسارت حدود نوزده هزار سرباز بعثی، پرچم ایران بار دیگر بر فراز مسجد جامع خرمشهر به اهتزاز درآمد. فتح خرمشهر و اسارت هزاران سرباز، ضربه‌ای استراتژیک و روانی جبران‌ناپذیری بر ارتش عراق وارد کرد و توازن سیاسی نظامی را به سود جمهوری اسلامی ایران تغییر داد.

حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ فتح خرمشهر را شبه معجزه‌ای حاصل رحمت و عنایت الهی برشماردند که در صدر اسلام نیز نظیرش بوده و خداوند درون دل‌های دشمنان اسلام آن چنان رعب و وحشتی افکنده است که با همه تجهیزات، در برابر غریو «الله اکبر» مسلمانان تسلیم شده‌اند. حماسه فتح خرمشهر نماد پایداری و ایثار مردمی است که برای اعتلای کلمه «الله» از جان خود گذشتند.

ارتباط آیه و مناسبت



در منظومه معرفتی قرآن کریم و مکتب اهل بیت عليهم السلام،

خداوند متعال یگانه منشأ و سرچشمه تمام امور است. بر همین اساس، حماسه آزادسازی خرمشهر را نباید تنها در محاسبات مادی و نظامی تحلیل کرد، بلکه باید آن را در پرتو سنن و اراده الهی نگریست.

در سوره مبارکه نصر، پس از فتح مکه - حادثه‌ای عظیم که معادلات صدر اسلام و هندسه تاریخ را دگرگون ساخت - خداوند متعال پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و مؤمنان را به تسبیح و استغفار فرامی خواند؛ هنگامه نبردهای وجودی و فتوحات عظیم، زمان ارزیابی اعمال و دوری از غرور است. همچنین در آیه ۱۷ سوره مبارکه انفال می فرماید: ﴿فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾؛ بدین معنا که سرمنشأ تمام قدرت‌ها تنها اوست.

از این رو، در برخورد با حوادث مثبت و پیروزی‌های بزرگ، انسان مؤمن نباید دچار غرور شود و اگر در خلال این حرکت غفلتی رخ داده باشد، از درگاه الهی طلب مغفرت کند. هر کار نیکی که انجام می‌گیرد و هر فتحی که حاصل می‌شود را باید از خدا دانست، نه از خود. بر مبنای همین نگاه توحیدی بود که حضرت امام خمینی رحمة الله علیه پس از فتح خرمشهر، آن درس بزرگ را به رزمندگان و ملت ایران آموختند تا مبادا غرور پیروزی، آنان را از یاد خدا غافل کند. ایشان یادآور

شدند که چه در فتح و چه در شکست، خداوند همواره سرچشمه قدرت و عزت است. این سنت الهی ثابت است؛ همان‌گونه که در ایام انقلاب، خداوند ملت ایران را برای برپایی حکومت دینی یاری نمود و در دوران دفاع مقدس و عرصه‌های پس از آن نیز، هرگاه این ملت بر حفظ حدود الهی استقامت ورزیدند، خداوند آنان را بر دشمنان ظفر بخشیده است.

کلام معصوم



أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَلَّتْ لَهُ الصَّعَابُ وَ

تَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ وَ تَبَوَّأَ الْخَفْضَ وَالْكَرَامَةَ.»^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام: «هر کس بر خداوند توکل کند،

سختی‌ها برای او رام می‌شود، اسباب و وسایل

[موفقیت] برایش فراهم و آسان می‌گردد، و در

جایگاه آسایش و کرامت جای می‌گیرد.»

۱. عیون الحکم و المواعظ؛ ج ۱، ص ۴۲۶.



سخن رهبر شهید ^{رحمة الله عليه} عس

روز فتح خرمشهر برای همه ما و برای تاریخ ما و آینده ما یک نمونه درس آموز و عبرت آموز است؛ چون در این روز نیروهای جان برکف ارتش و سپاه، با یک هماهنگی شگفت آور و تحسین برانگیز و با شجاعت و فداکاری غیرقابل توصیفی توانستند یک ضربه عظیمی وارد کنند؛ نه فقط بر پیکر ارتش عراق، بلکه این ضربت وارد شد بر پیکره نظام استکباری جهانی که با عده و عده خود پشت سر ماشین جنگی رژیم بعث قرار گرفته بودند. هیچ کس گمان نمی کرد چنین اتفاقی بیفتد، ولی افتاد.

آن عامل اصلی در این میان چه بود؟ می توان عواملی را شمرد؛ لیکن اصلی ترین عوامل، آن روح اعتماد به خدا و اعتماد به نیروی خود بود. اگر آن روز می خواستیم بر اساس محاسبات معمولی و متعارف فکر کنیم، هیچ کس قضاوت نمی کرد که این حادثه ممکن است اتفاق بیفتد؛ ولی جوانان ما، مردان مؤمن ما، رزمندگان ما در نیروهای مسلح، با همت، با ایمان، با توکل به خدا و با گذاشتن جان عزیز در کف دست و نترسیدن و نهراسیدن از خطر مرگ وارد میدان شدند و این حادثه بزرگ را به وجود آوردند.

فتح خرمشهر قلۀ این افتخارات است، میوهٔ این افتخارات است؛ لیکن در تمام طول مدت شاید نزدیک به یک ماه که عملیات بیت‌المقدس به طول انجامید، صدها نشانه و آیت فداکاری به شکل اعجاب‌انگیزی وجود دارد.

شرح این عملیات را که خوشبختانه گوشه‌ای از آن نوشته شده است، با دقت بخوانید، ببینید چه اتفاق افتاد. ... این جمله‌ای که از امام بزرگوار ما نقل شده است و شما شنیدید که فرمود «خرمشهر را خدا آزاد کرد»، دقیق‌ترین و حکیمانه‌ترین سخنی است که در این باب گفته شده است؛ عیناً همان «وما رمیت اذ رمیت ولیکن الله رمی». قدرت خدای متعال در دل رزمندگان، در اراده و عزم پولادین رزمندگان، در صبر رزمندگان، در بازوی توانای رزمندگان، در قدرت ابتکار رزمندگان تجلی پیدا کرد. دشمن متکی به ماده بود. معلوم است که قدرت مادی توان ایستادگی و رویارویی با یک چنین هفت‌جوش معنویت و انسانیت را ندارد. همیشه همین جور است، امروز هم همین جور است عزیزان من! امروز هم قدرت‌های مادی با همهٔ توانشان - با پولشان، با صنعتشان، با فناوری پیشرفته‌شان، با پیشرفت‌های علمیشان - قدرت مقابله و رویارویی با آن مجموعهٔ انسانی که ایمان را، عزم را، همت را، فداکاری را

شاخص و معیار کار خود گرفته، ندارند.

کسانی که آن روز در مقابل ملت ایران و رزمندگان ملت قرار داشتند، عیناً همان کسانی اند که امروز در مقابل ملت ایران قرار دارند. آن روز هم آمریکا بود، ناتو بود، همین انگلیس و فرانسه و آلمان بودند... پشت سر صدام این‌ها بودند، شاید بتوانند نظام جمهوری اسلامی ایران را، نظام رفیع توحید و معنویت را، پرچم برافراشته توحید و انسانیت را، صلای آزادی و استقلال ملت‌ها را شکست بدهند... آن روز شکست خوردند، مطمئن باشید امروز هم شکست می‌خورند... سردمداران گوناگون در کشورهای قدرت طلب آمدند و رفتند، اما ملت ایران ایستاده است. این بنای مستحکم روزبه‌روز سرافرازتر شده است. این نهال بارور و خدایی، این شجره طیبه در این سرزمین مستعد و آماده، روزبه‌روز ریشه‌دارتر شده است.^۱

ایده‌های کنشگری

- آثار مکتوبی چون «دا»، «آزادی خرمشهر» و «کالک‌های خاکی» در کنار نوای ماندگار «ممد نبودی ببینی» در رثای

۱. بیانات در جمع دانش‌آموختگان دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۳/۰۳/۱۳۸۹.

شهید جهان‌آرا، راویان صادق روزهای خون، ایستادگی و
سرافرازی خرمشهر هستند که می‌توان به نسل جوان
معرفی نمود تا آن‌ها را با این گنجینه هویتی آشنا نمود.



۱۴ خرداد - سالروز رحلت امام

خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ

آیه محوری



﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً﴾؛ «(آن هنگام که به اهل ایمان خطاب لطف رسد که) ای نفس (قدسی) مطمئن و دل آرام، به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو راضی است.»

۱. سوره مبارکه فجر/ ۲۷ و ۲۸.



دربارهٔ مناسبت



شامگاه تلخ ۱۳ خرداد ۱۳۶۸، روح بلند پیر جماران و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی رحمة الله عليه به ملکوت اعلی پیوست. انتشار این خبر، قلب ایران اسلامی را از حرکت باز داشت و جهان اسلام را در بهت و اندوهی عمیق فرو برد. اقیانوس بی‌کران مردم داغ‌دار برای وداع با پیشوای خود گرد هم آمدند. در ۱۶ خرداد، پس از اقامهٔ نماز میت توسط آیت‌الله العظمی گلپایگانی، پیکر امام در میان تشییع چند میلیونی و تاریخ‌ساز ملت ایران که تجلی بی‌نظیری از پیوند عمیق میان «امام و امت» بود، در جوار بهشت زهرا علیها السلام آرام گرفت؛ مکانی که امروز به‌عنوان حرم مطهر ایشان، هر ساله در سالروز ارتحالشان میعادگاه عاشقان است.

ایشان از سال ۱۳۴۱ مبارزهٔ علنی خود را علیه نظام سلطنتی پهلوی آغاز کردند. مقابله با رواج فساد، نقض قانون اساسی، سرکوب مطبوعات و احزاب، تضعیف اعتقادات اسلامی، غرب‌زدگی، تصویب لایحه ننگین کاپیتولاسیون و فروش نفت به رژیم صهیونیستی از محورهای مبارزاتی ایشان بود. این ایستادگی منجر به دو بار بازداشت و در نهایت تبعید ایشان به ترکیه، عراق و پس از آن به فرانسه

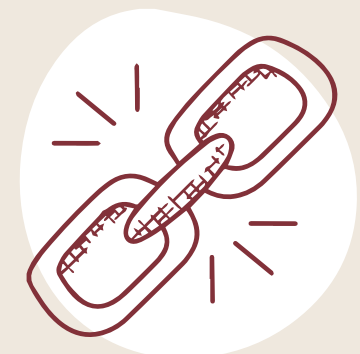


شد. امام در این سال‌ها علاوه بر تدریس، انقلاب را با قدرت رهبری نمودند. سرانجام در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، در میان استقبال تاریخی مردم به میهن بازگشتند و با پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن، پرچم حکومت اسلامی را برافراشتند. سال‌های رهبری و مبارزه برای امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ هرگز خالی از رنج و مشقت نبود. رویارویی با حکومت مستبد طاغوت از یک سو و تقابل با جریان‌های غرب‌گرا، منافقین کوردل و مروجان اسلام آمریکایی از سوی دیگر، مسیر پرتلهایی را رقم زد؛ اما باور عمیق ایشان به درستی مسیر، توکل به عنایات پروردگار و توسل به اهل بیت السَّلَامُ عَلَيْهِم، ایشان را به سرمنزل مقصود رساند.

حضرت امام با نگاهی توحیدی، خط بطلانی بر تفکر جدایی دین از سیاست کشیدند و «اسلام ناب محمدی» را در برابر «اسلام آمریکایی» و جریانات عافیت‌طلب احیا کردند. مهم‌ترین دستاورد اندیشه سیاسی ایشان، ارائه و بسط نظریه «ولایت مطلقه فقیه» بر مبنای باورهای اصیل تشیع بود. ایشان ضمن تأکید جدی بر حفظ چارچوب‌های فقه سنتی و جواهری، به پویایی و نوآوری در اجتهاد معتقد بودند و نقش «زمان و مکان» را در صدور احکام فقهی بسیار حائز اهمیت می‌دانستند.

در کنار این راهبری سیاسی، امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ شخصیتی جامع‌الاطراف در علوم اسلامی بودند. از ایشان آثار گران‌سنگی در حوزه‌های فقه، اصول، اخلاق، تفسیر، فلسفه، کلام و عرفان بر جای مانده است که کتبی چون «شرح حدیث جنود عقل و جهل»، «کشف اسرار» و «حکومت اسلامی (ولایت فقیه)» از جمله آن‌هاست.

ارتباط آیه و مناسبت



حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ سراسر حیات پربرکت خویش را صرف اعتلای پرچم توحید و مبارزه با کفر و طاغوت نمودند. ایشان در این مسیر خطیر، رنج‌ها و هزینه‌های فراوانی را به جان خریدند، اما با ایمانی راسخ، لحظه‌ای سست نشده و از آرمان‌های الهی خویش دست نکشیدند.

اگرچه وفات عالمان ضربه‌ای جبران‌ناپذیر خواهد داشت اما این مقصدی ناگزیر است؛ چه بهتر که عمر و حیات که عطیه‌ای ربانی است چونان مؤمنین حقیقی در مسیر ترویج معارف اهل بیت عليهم السلام و عبودیت خالصانه به کار گرفته شود. لاجرم، چنین انسان وارسته‌ای در هنگام ترک دنیا و عروج به ملکوت، مصداق بارز این ندای قدسی قرار می‌گیرد:

﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً﴾.



این خشنودی دوجانبه و رضایت پروردگار از بندگان صالح خویش، همان مقام عالی «رضوان» است که غایت آمال و نهایت طلب مؤمنین در این سرای فانی محسوب می‌شود و عروج ملکوتی امام راحل رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ تجلی وصول به همین مقام محمود بود.

کلام معصوم



أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا مَاتَ الْعَالَمُ ثَلِمَ فِي الْإِسْلَامِ ثُلْمَةٌ لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام: «هرگاه عالمی از دنیا برود، رخنه‌ای در اسلام ایجاد می‌شود که تا روز قیامت هیچ چیز نمی‌تواند آن را جبران کند.»

عزم سخن رهبر شهید رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ

این مصیبت، مصیبت جهان اسلام است، بلکه مصیبتی است که قلب همه ملت‌های مستضعف از آن دررنج است. البته ملت ایران صاحب‌عزا و داغدار اصلی است. این ملت

۱. بحار الأنوار؛ ج ۲، ص ۴۳.



بزرگ بود که اولین بار به ندای آن قائد آسمانی و آن راهروی راه انبیا پاسخ مثبت داد. ملت ایران بود که پشت سر او حرکت کرد و به اشاره او جان را و مال را و عزیزان را در راه خدا قربانی داد. حقاً ملت ایران وفادارترین و باصفاترین امتی بود که در طول تاریخ اسلام دیده شده است که نسبت به امام و پیشوایی وفاداری کرده باشد.

... یک جمله‌ای در وصیت‌نامه امام عزیزمان هست که ما باید آن را هرگز فراموش نکنیم: آن عاملی که انقلاب را به پیروزی رساند، همان عامل انقلاب را تداوم خواهد داد، یعنی اتکال به خدا و ایمان مردم به اسلام و تصمیم قاطع بر انجام وظیفه الهی و اسلامی، و وحدت کلمه. این برای همیشه، برای ما یک درس است. این روزها کشور ما شاهد یک وحدت و صمیمیت و صفای همگانی است. این بسیار حادثه عظیمی است؛ از برکات روح مطهر امام بزرگوار ما است. اخلاص آن مرد بزرگ الهی بعد از رحلت او هم در فضای این جامعه اثر گذاشت: دل‌ها را به هم انس داد، پیوندها را محکم کرد. و همین اتحاد کلمه ... دشمنان را مأیوس کرد. انقلاب با ورود امام به صحنه داخلی کشور در سال ۵۷، یک طراوتی پیدا کرد، برگ‌وباری پیدا کرد و

ثمربخش شد. این لطف خدا بر امام بود که در وجود او این برکات را قرار داده بود. روح مطهر او در هنگام وفات او و عروج ملکوتی او هم مشمول همین برکات الهی شد و لطف خدا بر او، موجب شد که انقلاب در آوان رحلت آن بزرگوار هم مثل اول انقلاب و مثل روزهای پیروزی، آن چنان برگ و باری و آن چنان هیمنه و هیبتی پیدا کرد که دشمنان را مأیوس کرد.

ما به برکت امام، امروز می‌توانیم با قدرت از موضع قوّت و قدرت با دنیا حرف بزنیم. ... قدرت حقیقی با پشتیبانی و عنایت الهی است که مظهر آن هم حمایت مردمی و حضور عظیم مردم در صحنه است. این مال جمهوری اسلامی است.

هر کس امروز سعی کند در مردم ایجاد اختلاف کند یا آن‌ها را از صحنه دور کند، درحقیقت دارد به همه آن هدف‌هایی که عرض کردم ضربه می‌زند و دشمن آن‌ها است. دشمنی حقیقی تبلیغاتچی‌های جهانی - که با شایعه‌پراکنی و دروغ و فریب سعی می‌کنند ملت ما را دلسرد بکنند - با همان هدف‌هایی است که گفته شد؛ می‌خواهند آن کارها نشود؛ چون می‌دانند اگر ملت در صحنه بود و دلگرم و امیدوار بود، آن کارها خواهد شد. ... اگر می‌بینید که این خناسان و

وسوسه‌گران در اصول مقدّس این ملت مثل اصل ولایت فقیه - که اساسی‌ترین اصل نظام جمهوری اسلامی است و ما در این ده سال، به برکت ولایت فقیه توانستیم این پیشرفت‌ها را داشته باشیم - خدشه می‌کنند، ... به خاطر این است که نمی‌خواهند هدف‌های بزرگ ملت ایران به دست جمهوری اسلامی و به وسیله مؤمنین بالله انجام بگیرد. این جمله را همیشه به یاد داشته باشید که امام بزرگوارمان بارها و بارها تأکید کردند که رمز همه پیروزی‌ها، وحدت کلمه و حضور در صحنه است. این رمز همه پیروزی‌ها است؛ اگر این را از دست دادیم - اگر وحدت کلمه نباشد و اگر مردم حضور نداشته باشند - ملت ایران نخواهد نتوانست قدم از قدم بردارد. البته خداوند هم کمک خواهد کرد، مدد خواهد کرد: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾^۱. این‌ها وعده الهی است؛ حق است و صدق است و قطعی است. بحمدالله تا امروز هم خدا با ملت ایران بود و وجود بزرگوار آن رهبر عالی‌قدر و انسان والا و بی‌نظیر، واقعاً از بزرگ‌ترین نعمت‌ها بود. امروز هم کلمات و نصایح او که برای ما باقی مانده، بزرگ‌ترین نعمت‌ها برای ما است، چون کلمات خدا و انبیاء است. باید آن‌ها را قدر بدانیم و

۱. سوره مبارکه عنکبوت/۶۹.



ان شاء الله عمل بکنیم.^۱

ایده‌های کنشگری



- بخش‌هایی از وصیت‌نامه امام خمینی رحمة الله علیه - مثلاً توصیه‌های ایشان به جوانان و نوجوانان - را در جلسه خود بخوانید. این وصیت‌نامه به نوعی آخرین بیانات - و شاید ضروری‌ترین بیانات - بنیان‌گذار انقلاب خطاب به مسئولین و اقشار مختلف مردم است و بازخوانی آن، نسل جوان را با اندیشه‌های ایشان آشنا خواهد کرد.

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۰۴/۲۱.





۱۵ خرداد - سالروز قیام خونین پانزده خرداد

آیه محوری



﴿وَكَايْنٍ مِّنْ نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾^۱ «و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه کارزار کردند؛ و در برابر آنچه در راه خدا بدیشان رسید، سستی نورزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم [دشمن] نگردیدند؛ و خداوند شکیبایان را دوست دارد.»

۱. سوره مبارکه آل عمران/۱۴۶.



دربارهٔ مناسبت



«سال‌های گذرد، حادثه‌ها می‌آید / انتظار فرج از نیمه خرداد کشم»؛ این بیت از حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، به روشنی جایگاه و عظمت واقعه‌ای را نشان می‌دهد که شاید نقطهٔ عطف نهضت اسلامی ایران باشد. روز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ یوم‌اللهی است که پیوند عمیق مرجعیت، مردم و مکتب عاشورا، خط بطلانی بر قدرت‌نمایی‌های رژیم پهلوی کشید. برای درک چرایی خروش مردم در نیمهٔ خرداد، باید کمی به عقب بازگشت. تصویب لایحهٔ انجمن‌های ایالتی و ولایتی و برنامه‌های موسوم به «انقلاب سفید»، نارضایتی عمیق روحانیت و مردم مذهبی را در پی داشت. این تقابل، در دوم فروردین ۱۳۴۲ با یورش وحشیانهٔ مأموران حکومتی به مدرسهٔ فیضیهٔ قم به اوج خود رسید.

در آستانه ماه محرم آن سال، رژیم پهلوی که از قدرت منبر و وعظ آگاه بود، خطبای مذهبی را ملزم کرد تا از بیان سه موضوع به شدت پرهیز کنند: سخن گفتن علیه شخص شاه، انتقاد از اسرائیل و القای این مطلب که «اسلام در خطر است»؛ سخنانی که شاید مورد پذیرش اسلام آمریکایی و گوشه‌نشینان انجمنی بود اما برای باورمندان به مکتب



عاشورا نه. ایام عزاداری سیدالشهداء علیه السلام، فرصتی برای آگاهی بخشی به مردم بود و امام خمینی رحمة الله علیه پیشروی این جریان بودند. عصر روز عاشورا، ۱۳ خرداد ۱۳۴۲، امام خمینی رحمة الله علیه با حضور در مدرسه فیضیه، ابتدا به ذکر مصیبت سیدالشهداء علیه السلام پرداختند و سپس فاجعه هجوم به مدرسه فیضیه را به واقعه کربلا تشبیه کردند و حکومت وقت را هم تراز بنی امیه و حکومت یزید دانستند و به صراحت شخص شاه را مورد انتقاد قرار دادند. در واکنش به این سخنانی، نیروهای امنیتی نیمه شب به منزل امام رحمة الله علیه یورش برده و ایشان را به همراه روحانیون برجسته دیگری دستگیر و به تهران منتقل کردند.

با انتشار خبر دستگیری امام در صبحگاه ۱۵ خرداد، موجی از خشم و غیرت سراسر کشور را فراگرفت. در تهران، دانشجویان با تعطیلی کلاس ها به مردم پیوستند. چهره های سرشناس بازار چون طیب حاج رضایی، جمعیت را به سمت مراکز مهم دولتی هدایت کردند. مأموران نظامی که به شدت دستپاچه شده بودند، به سوی مردم بی دفاع آتش گشودند. در این میان، حرکت شجاعانه دهقانان کفن پوش و رامین که برای دفاع از مرجعیت راهی تهران شده بودند، در پل باقرآباد مظلومانه به خاک و خون کشیده شد.

پس از این سرکوب خونین، اسدالله علم، نخست‌وزیر وقت، با لحنی تهدیدآمیز از احتمال اعدام امام رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ و سایر علما سخن گفت. شاه نیز با فرافکنی، این قیام اصیل را به پول‌های بیگانگان - جمال عبدالناصر - منتسب کرد. اما واکنش قاطع حوزه‌های علمیه، نقشه‌های رژیم رانقش بر آب کرد. مراجع بزرگی چون آیت‌الله العظمی گلپایگانی، آیت‌الله میلانی و مراجع نجف از جمله آیت‌الله خویی با صدور اعلامیه و تلگراف، به شدت به این دستگیری اعتراض کردند.

مهاجرت اعتراضی علمای شهرستان‌ها به تهران و رایزنی‌های بین‌المللی چهره‌هایی چون امام موسی صدر در اروپا و واتیکان، چنان فشار مضاعفی بر رژیم وارد کرد که شاه مجبور به عقب‌نشینی شد. سرانجام در ۱۵ فروردین ۱۳۴۳ امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ آزاد شدند.

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، ۱۵ خرداد را «یوم‌الله» نامیدند و برای همیشه آن را عزای عمومی اعلام کردند. ایشان این قیام را خمیرمایه نهضت و بذری دانستند که ریشه در عصر عاشورا و خون سیدالشهداء السَّلَامُ عَلَيْهِ داشت و اسطوره قدرت ستم‌شاهی را در هم شکست.

حضرت آیت‌الله شهید خامنه‌ای رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ نیز با تبیین ابعاد این قیام، سه عنصر اساسی را در شکل‌گیری آن دخیل شماردند:

«عنصر مردم، عنصر رهبر و امام، و عنصر انگیزه مذهبی و روح شهادت‌طلبی». ایشان تأکید دارند که نهضت پانزده خرداد محصول بذریاشی هوشمندانه امام در واقعه دوم فروردین و پیوند آن با پیام عاشورا بود؛ حرکتی خودجوش که مسیر تاریخ ایران را تغییر داد.

ارتباط آیه و مناسبت



رمز ماندگاری و پیروزی نهضت‌های الهی در پیوند عمیق میان رهبران حق و توده‌های مؤمن و استوار نهفته است. «رَبِّيون» انسان‌های خداجو و توده‌های انبوهی هستند که با اراده‌ای برخاسته از ایمان، گرد محور ولایت و رهبری الهی جمع می‌شوند. در یوم‌الله پانزده خرداد، آحاد ملت سلحشور ایران به عنوان مصداق بارز همین توده‌های مؤمن، نشان دادند که پیوند مستحکم و ناگسستنی با مرجعیت و روحانیت شیعه دارند.

هنگامی که رژیم ستم‌شاهی امام امت را دستگیر کرد، این پیوند الهی خود را در قالب یک موج عظیم و خروش مردمی در تهران، قم و دیگر شهرها نشان داد. تفاوت بنیادین قیام پانزده خرداد با سایر تحرکات تاریخ معاصر ایران در همین نقطه نهفته است. در وقایعی مانند حوادث پس

از مشروطه، یا مبارزات گروه‌های چپ و ملی‌گرا، به دلیل فقدان پشتوانه اعتقادی توده‌های مردم و انقطاع از رهبری الهی، فرجامی جز شکست و ناکامی رقم نخورد. اما نهضت امام بزرگوار، متکی به حضور، احساسات پاک و اندیشه زلال مردمی بود که به میدان آمدند تا دین خدا را یاری کنند و همین امر، ضامن پیشرفت، اوج‌گیری و پیروزی نهایی نهضت گردید.

رژیم دیکتاتور پهلوی با تمام قوا، ارتش، پلیس و دستگاه‌های امنیتی خود به میدان آمد تا چهره‌ای خشن و بی‌رحم از خود به نمایش بگذارد و مردم از میدان پراکنده شوند. خیابان‌های تهران و سایر شهرها با خون جوانان مؤمن رنگین شد و تعداد نامعلومی از عاشقان مکتب روح‌الله به خاک و خون غلتیدند؛ اما این مصائب، هرگز باعث سستی، ضعف و تسلیم ملت نشد. آن خون‌های پاک گواهی استقامت مردمی بود که با صبوری و پایداری در برابر ددمنشی طاغوت، بذر انقلاب اسلامی را آبیاری نمودند تا سال‌ها بعد، درخت تنومند جمهوری اسلامی در این سرزمین ریشه بدواند.

کلام معصوم



رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةٌ حَقٌّ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ»^۱

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «برترین جهاد، گفتن سخن حق در برابر پادشاه ستمگر است.»

عزم سخن رهبر شهید رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ

وقتی در سال چهل و یک فریاد امام بلند شد، بغض مردم ترکید. مردم در طول ده‌ها سال بغض کرده بودند. بعضی‌ها به آن وضع عادت کرده بودند، بسیاری هم بغض کرده بودند. حرف امام به دل‌ها نشست. بدانید آن روزی که امام این فریاد را بلند کردند، هنوز مرجع تقلید معروفی نبودند. البته ایشان در قم بین علما و بزرگان، فضلا و طلاب حوزه، خیلی موجّه بودند و پایگاه بسیار بلندی داشتند؛ اما در بین مردم سراسر کشور آن‌چنان شناخته شده نبودند. این فریاد که بلند شد، چون درست بود، چون به حق بود

۱. عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة؛ ج ۱، ص ۴۳۲.



- زیرا مٔکی به خواست‌های مردم و در اصل به اسلام و دین مٔکی بود- بلافاصله همه‌جا به‌طور طبیعی منتشر شد؛ دهن به دهن، دست به دست، دل به دل سیر کرد، به همه‌جا رسید و مردم را به امام علاقه‌مند کرد. امام بزرگوار ما که در سال چهل و یک به هنگام شروع مبارزات، چندان معروفیتی نداشتند، در خرداد چهل و دو وضع و پایگاهشان در دل‌های مردم به آن جایی رسیده بود که حادثهٔ پانزده خرداد چهل و دو در تهران اتفاق افتاد و هزاران نفر در راه امام جان خودشان را فدا کردند. این بر اثر حقانیت آن فریاد بود.

امام تعالیم اسلام را برای مردم بیان کردند؛ معنای حکومت را بیان کردند؛ معنای انسان را بیان کردند و برای مردم تشریح کردند که چه بر آن‌ها می‌گذرد و چگونه باید باشند. حقایقی را که اشخاص جرئت نمی‌کردند بگویند، ایشان به‌طور صریح، روان، آسان، برای عموم مردم بیان کردند. این بود که مردم پاسخ گفتند. البته از آن روزی که امام شروع کردند، تا آن روزی که این انقلاب پیروز شد، پانزده سال طول کشید؛ پانزده سال دشوار. شاگردان امام، دوستان امام، دست‌پروردگان امام، آحاد مردم و افراد روشن‌بین جامعه، اعماق و روح این پیام را درک کردند، آن را گرفتند و در نقاط

مختلف و در محافل مختلف و در قشرهای مختلف، آن را گفتند. گفت و بازگفت این سخنان و ایستادگی در راه این سخنان، مشکلات فراوانی ایجاد کرد. هزاران نفر به شهادت رسیدند و تعداد چندبرابر این‌ها زیر شکنجه‌ها افتادند. دوران خیلی سختی گذشت. بعضی‌ها در طول این پانزده سال، یک شب با امنیت و راحت به خانه‌هایشان نرفتند؛ یک روز با اطمینان از این‌که به آن‌ها آسیب نمی‌رسد، از خانه‌هایشان بیرون نیامدند. سختی‌ها گذشت و امام در تمام این دوران، مرشدانه، حکیمانه و شجاعانه رهبری می‌کردند و بالأخره در یکی دو سال آخر، این امواج خروشان مردمی به وجود آمد. هر جا که آحاد مردم با انگیزهٔ دینی، با انگیزهٔ خدایی و بدون چشم‌داشت مادی وارد میدان شوند، هیچ قدرتی نمی‌تواند در مقابلشان ایستادگی کند. همان‌طور که امام فرمودند، آن‌ها با همهٔ آن سازوبرگشان، در مقابل ملت دست خالی ما نتوانستند بایستند؛ لذا این انقلاب به وجود آمد و پیروز شد.^۱

۱. بیانات در جلسهٔ پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دههٔ فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳.



ایده‌های کنشگری



• ۱۵ خرداد به تعبیری، زادروز جریان «هنر انقلاب» است. انعکاس این حماسه در ادبیات، خصوصاً شعر، بسیار چشمگیر است. خون شهدا الهام‌بخش هنرمندان متعهد شد و قلم‌ها نیز چون قدم‌ها به یاری امامشان شتافتند. از جمله آثار متأخر می‌توان به «موهای تو خونه ماهی‌هاست»، «یحیی و یاکریم»، «نان و نی» از محمدرضا شریفی خبوشان اشاره کرد که چگونگی شکل‌گیری واقعه ۱۵ خرداد را به صورت داستان برای نوجوانان بیان می‌کنند.





مناسبت‌های قمری

۷ ذی‌الحجه: سالروز شهادت امام محمد باقر علیه السلام

۹ ذی‌الحجه: روز عرفه

۱۰ ذی‌الحجه: عید سعید قربان

۱۵ ذی‌الحجه: سالروز ولادت امام هادی علیه السلام

۱۸ ذی‌الحجه: عید سعید غدیر

۲۰ ذی‌الحجه: سالروز ولادت امام کاظم علیه السلام

۲۴ ذی‌الحجه: سالروز مباحله پیامبر با نصرانیان



۷ ذی الحجّه - سالروز شهادت امام

محمد باقر عليه السلام

آیه محوری



﴿فَلَوْلَا نَفَرَمِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ
وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾؛ «چرا
از هر گروهی دسته‌ای به سفر نروند تا دانش دین
خویش را بیاموزند و چون بازگشتند مردم خود را
هشدار دهند، باشد که از زشت‌کاری حذر کنند؟»

۱. سوره مبارکه توبه/۱۲۲.



دربارهٔ مناسبت



هفتم ذی‌الحجه سال ۱۱۴ پس از هجرت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مدینه در سوگ امامی نشست که حیات پربرکتش نقطهٔ عطفی در تاریخ اندیشه و فرهنگ اسلامی بود. امام محمد بن علی عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، «باقرالعلوم»، پس از حدود ۱۹ سال رهبری شیعیان، در سن ۵۷ سالگی با دسیسهٔ طاغوت زمان، هشام بن عبدالملک، مسموم شدند و به شهادت رسیدند. پیکر مطهر ایشان در آرامستان بقیع، در جوار پدر بزرگوارشان امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ و امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَامُ به خاک سپرده شد.

دوران امامت ایشان -۹۵ تا ۱۱۴ هجری قمری- هم‌زمان شده بود با تزلزل پایه‌های حکومت اموی؛ فرصتی طلایی که امام عَلَيْهِ السَّلَامُ با درایت تمام از آن برای پایه‌گذاری نهضت عظیم علمی بهره بردند. در روزگاری که فرقه‌هایی چون خوارج و مرجئه در حال ترویج عقاید انحرافی بودند و رسوبات تفکرات یهود و اسرائیلیات فرهنگ اسلامی را تهدید می‌کرد، امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ مرزهای عقیدتی اسلام ناب را روشن ساختند. تربیت صدها شاگرد برجسته و نشر ده‌ها هزار حدیث، خمیرمایهٔ مکتب فقهی، تفسیری و کلامی شیعه را شکل داد که بعدها در دوران امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به



اوج شکوفایی خود رسید.

ارتباط آیه و مناسبت



در اسلام همواره بر علم‌آموزی و عمق‌بخشی به باورهای دینی تأکید شده است و گواه آن احادیث بسیار و سیره اهل بیت علیهم‌السلام در این باره است. در روزگاری که خفقان اموی و هجوم فرقه‌های انحرافی، اسلام ناب را در تنگنا قرار داده بود، حضرت امام باقر علیه‌السلام نهضتی را پایه‌گذاری نمودند که شکل‌گیری و انسجام «فقه شیعه» محصول مستقیم آن است.

حلقه درس ایشان در مدینه، میعادگاه جویندگان حقیقتی بود که از دورترین سرزمین‌ها به سوی ایشان کوچ می‌کردند تا از چشمه‌سار علوم اهل بیت علیهم‌السلام بهره‌مند شوند. این شاگردان برجسته، همان طایفه‌ای بودند که پس از بهره‌مندی از دانش امام، به دیار خویش باز می‌گشتند تا چراغ هدایت و انداز قوم خویش باشند.

بذری که امام باقر علیه‌السلام با تربیت این شاگردان و راویان صادق در زمین تشنه جهان اسلام کاشت، امروز از پس قرن‌ها طوفان و سختی، به درختی سترگ و تناور بدل شده است. فقها و علمای دین به‌عنوان وارثان حقیقی این مکتب،



ثمرات آن را پاسداری کردند؛ شجره طیبه‌ای که امروز دستاوردهای آن را در استقرار حاکمیت اسلامی، بسط نگاه توحیدی و تقابل حقیقی و عزتمندانه اسلام با تمدن‌ها و جهان‌بینی‌های دروغین و مادی‌گرایانه به وضوح مشاهده می‌کنیم.

کلام معصوم



أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّمَا يُدَاقُ اللَّهُ الْعِبَادَ فِي الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي الدُّنْيَا.»^۱

امام باقر عليه السلام: «خداوند در روز قیامت به حساب بندگان خود به اندازه عقلی که به آنها داده حسابرسی می‌کند.»

عکس سخن رهبر شهید رحمة الله عليه

دوران زندگی امام باقر عليه السلام ادامه منطقی دوران زندگی امام سجاد عليه السلام است. اگرچه در تاریخ به صراحت از فعالیت‌های تعرض‌آمیز سخنی نیست، ولی از عکس‌العمل‌های

۱. الکافی؛ ج ۱، ص ۱۱.



حساب‌شده دشمن می‌توان عمق عمل را کشف کرد. دستگاه هشام بن عبدالملک اگر با امام با چهره‌ای خشن روبه‌رو می‌شود، بی‌گمان ناشی از آن است که در عمل وی را تهدیدی برای خود می‌بیند. از عکس‌العمل حاد رژیم می‌توان عمل حاد آن حضرت را استنباط کرد که در نهایت دستور داد او را به قتل رساندند.

با این همه، امام از درگیر شدن و رویارویی مستقیم اجتناب می‌ورزد؛ دست به شمشیر نمی‌برد و بیشترین تکیه را بر فعالیت‌های فرهنگی می‌کند. این تاکتیک موجب نمی‌شود که امام آرمان بزرگ شیعی - ایجاد نظامی اسلامی و حکومتی علوی - را در دل پیروان زنده نسازد. نوید آینده و تشکیل نظام اسلامی، امیدبخش شیعه بود.

دو نکته درباره‌ی ایشان برجسته است: اول، مبارزه‌ی آن حضرت با تحریف در معارف و احکام اسلامی است. مقصود از مبارزه با تحریف این است که اگر مردمی معارف اسلامی را آن‌گونه که هست بدانند، حکومت ستمگران، تبعیض و تقسیم غیرعادلانه ثروت را تحمل نمی‌کنند. سلاطینی مثل بنی‌امیه و مروانی‌ها چون شایسته‌ی حکومت نبودند، اگر احکام اسلامی همان‌طور که هست تبیین می‌شد، امکان ادامه‌ی حکومت برای این‌ها نبود؛ این بود که دست

به تحریف می‌زدند. بعضی از علما را با طمع یا ترس وادار می‌کردند همان چیزی را که مورد علاقه آن‌هاست ترویج کنند و احکام عجیبی به نام اسلام به خورد مردم دادند.

ائمه که می‌خواهند حکومت اسلامی درست را بر پا کنند، اولین کار این است که ذهنیت مردم را عوض کنند و فرهنگ رسوخ کرده را با قرآن حقیقی و توحید واقعی جایگزین کنند؛ این همان مبارزه فرهنگی است تا راه برای حکومت الهی هموار شود و امام باقر علیه السلام این کار را شروع کرد.

کار دیگری در زندگی آن حضرت تشکل است؛ یعنی علاوه بر این که بذر معارف را می‌پاشد آن را حفظ هم می‌کند؛ یکی از کارهای امام باقر علیه السلام این بود که شاگردان ویژه تربیت کند، آن‌ها را به همدیگر وصل کند و در سرتاسر دنیای اسلام به عنوان وکیل خود بگذارد که ادامه تبلیغات آن حضرت را به عهده بگیرند. این سازماندهی پنهانی امام باقر علیه السلام بود. لذا بعضی از اصحاب امام باقر علیه السلام به عنوان «اصحاب السر» شناخته شدند. نمودارهای ارتباطات امام با این جمع، نشان‌دهنده پیوستگی و تشکل محاسبه شده میان آنان با امام است.

نوزده سال دوران رهبری امام با این وضع سپری می‌شود. هنگامی که این عمر پربرکت پایان می‌گیرد، پس از مرگ نیز

کار خود را دنبال می‌کند. امام به فرزندش دستور می‌دهد بخشی از دارایی او را در طول ده سال، صرف عزاداری بر او نمایند. مکان عزاداری، منا است و زمان آن، موسم حج. موسم حج، میعاد برادران دورافتاده است. «چه کسی او را کشته یا مسموم کرده؟ و چرا؟ مگر او چه می‌کرده و چه می‌گفته؟ آیا داعیه‌ای داشته؟ آیا دعوتی می‌کرده؟» ده‌ها پرسش و آن‌گاه سیل پاسخ از سوی صاحبان عزا مطرح می‌شود تا مسائل را برای مردمی که از سراسر جهان اسلام جمعند، تبیین کنند. و این است نقشه موفق امام باقر علیه السلام، نقشه جهاد پس از مرگ. و این است که آن وجود برکت خیز که زندگی و مرگش برای خدا و در راه خداست؛ «و جعله مبارکاً اینما کان و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً»^۱

ایده‌های کنشگری



- برگرفته از وصیت امام، یک ایستگاه تفکر کوچک در یک محل پرتردد - مثلاً در راهپیمایی‌های شبانه - برپا کنید. از افراد بپرسید که چرا امام به جای قیام مسلحانه، به

۱. انسان ۲۵۰ ساله؛ بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی مبارزاتی ائمه معصومین علیهم السلام، با تلخیص.



نهضت علمی روی آوردند. اگر بتوانید اطلاعاتی دربارهٔ شاگردان امام به آن‌ها بدهید تا با چهره‌های علمی مؤثر در تشکیلات شیعه آشنا شوند، جذاب‌تر خواهد بود.



۹ ذی الحجّه - روز عرفه

آیه محوری



﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ۖ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ۖ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾^۱
 «هنگامی که بندگانم از تو درباره من بپرسند، [بگو]:
 یقیناً من نزدیکم، دعای دعاکننده را زمانی که مرا
 بخواند اجابت می‌کنم؛ پس باید دعوتم را بپذیرند
 و به من ایمان آورند، تا [به حق و حقیقت] راه یابند
 [و به مقصد اعلی برسند].»

۱. سوره مبارکه بقره/۱۸۶.



دربارهٔ مناسبت



در تقویم بندگی، روزهای معدودی هستند که درگاهی گشوده به سوی آسمان و مجالی برای صیقل روح فراهم کند، و عرفه از درخشان‌ترین آنهاست؛ کیمیا و اکسیری برای جان‌های خسته. این ساعات طلایی، فرصتی است تا انسان سائل، دست نیاز به سوی آسمان بلند کند و یقین داشته باشد که در این روز، هیچ سائلی دست خالی از درگاه الهی بازمی‌گردد.

«عرفه» ریشه در معرفت و شناخت دارد؛ ادراکی که با تفکر و تدبر در آثار الهی همراه است. در وجه تسمیهٔ این روز گفته‌اند که سرزمین «عرفات» منطقه‌ای مشخص و شناخته‌شده در میان کوه‌هاست و بنا بر روایات، این همان سرزمینی است که آدم و حوا پس از هبوط، بار دیگر یکدیگر را در آن یافته و شناختند. روز عرفه، روز آغاز مناسک حج است؛ روزی که حج‌گزاران در صحرای عرفات گرد هم می‌آیند تا پیش از ورود به حریم، درنگ کرده و با دعا و استغفار، معرفتی به خود و خدا خویش بیابند و توفیقی که نصیبشان گردیده را شکر بگذارند.

فیض عرفه محدود به مکه نیست. قرائت دعای عرفه



سیدالشهداء عليه السلام از مهم‌ترین اعمالی است که جان آدمی را با عالی‌ترین مفاهیم توحیدی گره می‌زند. در کنار نیایش، اعمال مستحبی همچون غسل، روزه، صدقه و زیارت امام حسین عليه السلام نیز سفارش شده است. زیارت سیدالشهداء عليه السلام در روز عرفه در روایات، هم‌سنگ و حتی برتر از حضور در خود صحرای عرفات شمرده شده است؛ راه رسیدن به معرفت الهی، از مسیر محبت و معرفت به ولایت می‌گذرد.

عرفه، دعوت‌نامه‌ای است برای بازگشت؛ روزی برای درک حضور، شکستن بت‌های نفس و آماده‌شدن برای قربانی‌کردن تعلقات در عید قربان.

ارتباط آیه و مناسبت



«یقیناً من نزدیکم، دعای دعاکننده را زمانی که مرا بخواند اجابت می‌کنم؛ پس باید دعوت‌م را بپذیرند و به من ایمان آورند.» عرفه میعادگاه درک قرب پروردگار است؛ لحظه‌ای که انسان از هیاهوی جهان فاصله می‌گیرد تا در خلوت دل یا وسعت عرفات، این حضور بی‌واسطه را با تمام جان درآغوش کشد. دعای عرفه سیدالشهداء عليه السلام نیز چیزی جز زمزمه همین درک حضور نیست: «وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ».

اگر بنده با تمام اضطرار دست نیاز برآورد، استجابت خواهد شد؛ شرط استجابت اما لبیک‌گفتن به دعوت حق است.

کلام معصوم



عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَوْمُ عَرَفَةَ يَوْمٌ لَا يَسْأَلُ فِيهِ أَحَدٌ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ.»

امام سجاد عليه السلام: «روز عرفه، روزیست که در آن هیچ‌کس از کسی جز خداوند درخواستی نمی‌کند.»

سخن رهبر شهید رحمة الله عليه

روز عرفه را قدر بدانید؛ خود را برای ورود به درگاه خشوع در مقابل پروردگار آماده کنیم. روز بزرگی است روز عرفه. ما دچار غبارگرفتگی و زنگ‌زدگی در دل‌هایمان می‌شویم؛ تضرع، خشوع، ذکر، توسل، این زنگ‌ها را و این غبارها را می‌زداید و روزهای مشخصی، فرصت‌های برتری برای این زنگ‌زدایی و رنگ‌زدایی و غبارروبی هست که از جمله برترین آن‌ها عرفه است. روز عرفه را قدر بدانید. از ظهر

۱. مستدرک الوسائل؛ ج ۱۰، ص ۳۵.



عرفه تا غروب عرفه ساعات مهمی است؛ لحظه لحظه این ساعات مثل اکسیر، مثل کیمیا حائز اهمیت است؛ این‌ها را با غفلت نگذرانیم.

یک نمونه [از اعمال]، این دعای عجیب امام حسین علیه السلام در عرفه است که مظهر خشوع و تذلل و ذکر و مظهر ابتهال در مقابل پروردگار است. یک نمونه دیگر دعای امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجّادیه است. این‌ها را با تأمل و با تفکر بخوانید؛ این توشه شماست!

ایده‌های کنشگری



- می‌توان از فرصت این روز برای کاهش وابستگی‌ها - مثلاً وابستگی به فضای مجازی - استفاده کرد.
- بعضی از جمله‌های کوتاه و تأثیر گذار دعای عرفه، مثلاً «مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ»،^۲ را طراحی و به صورت استیکر چاپ کنید. می‌توانید آن‌ها را فروخته یا به دیگران هدیه بدهید.

۱. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴/۰۶/۲۵.

۲. «کسی که تو را گم کرده چه یافته؟ و چه گم کرده، کسی که تو را یافته؟».





۱۰ ذی الحجّه - عید سعید قربان

آیه محوری



﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ ۗ كَذَٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ ۗ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ﴾؛ «گوشت و خون این شتران به خدا نمی‌رسد. آنچه به او می‌رسد پرهیزگاری شماست. همچنین آن‌ها را رام شما ساخت تا خدا را به شکرانه آن‌که هدایتتان کرده است، به بزرگی یاد کنید. و نیکوکاران را بشارت ده.»

۱. سوره مبارکه حج/۳۷.



دربارهٔ مناسبت



دهم ذی‌الحجه یادآور یکی از باشکوه‌ترین جلوه‌های بندگی و تسلیم در برابر خالق هستی است. عید سعید قربان - عید الأضحی یا یوم‌النحر - در کنار اعیاد بزرگی چون فطر و غدیر از مهم‌ترین اعیاد اسلامی به شمار می‌رود.

تاریخچهٔ این عید بزرگ به ماجرای رؤیای صادق و مأموریت الهی حضرت ابراهیم علیه‌السلام برای ذبح فرزندش اسماعیل علیه‌السلام بازمی‌گردد. هنگامی که پدر و پسر، در اوج خلوص و تسلیم، آمادهٔ اجرای فرمان الهی شدند و ابراهیم علیه‌السلام تیغ بر گلوی فرزند نهاد و از تمام تعلقات دنیوی انقطاع یافت، ارادهٔ خداوند بر این قرار گرفت که تیغ گلوی اسماعیل علیه‌السلام را نبرد. در این هنگام، جبرئیل با قوچی نازل شد تا به جای اسماعیل علیه‌السلام ذبح گردد.

از منظر عرفانی، ذبح قربانی نمادی از بریدن گلوی دیو نفس اماره و طمع است. از سوی دیگر، این سنت الهی کارکردی عمیقاً اجتماعی دارد. حکمت مهم قربانی، اطعام نیازمندان و تحکیم پیوندهای اجتماعی است.

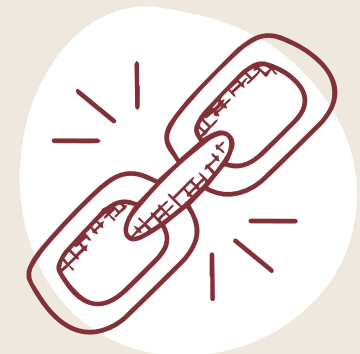
برای شب و روز عید قربان در منابع روایی، اعمال پرفضیلتی نظیر احیا، غسل، قرائت دعای ندبه و اقامهٔ نماز عید ذکر



شده است. روزه گرفتن در روز عید قربان، همانند عید فطر، حرام است.

عید قربان در تمامی کشورهای اسلامی جایگاهی ویژه دارد و از یک روز تا یک هفته به عنوان تعطیلات رسمی شناخته می‌شود. مسلمانان در سراسر جهان این روز را جشن می‌گیرند، لباس نو می‌پوشند، به دیدار یکدیگر می‌روند و با توزیع گوشت قربانی، نشاط و همبستگی اجتماعی را به نمایش می‌گذارند. این عید فرصتی است تا مسلمانان ضمن یادآوری نعمت‌های الهی، مسیر تقرب به پروردگار را با دستگیری از نیازمندان و ذبح منیت‌ها هموار سازند.

ارتباط آیه و مناسبت



در عصر جاهلیت، سنت قربانی کردن با خرافات و شرک درآمیخته شده بود. اعراب جاهلی بر این باور بودند که برای جلب رضایت معبود، باید خون حیوان قربانی را بر دیواره‌های کعبه بمالند تا مورد پذیرش قرار گیرد. قرآن کریم با نزول این آیه شریفه، خط بطلانی بر این رسم جاهلی کشید. گوشت و خون قربانی هرگز به ساحت قدس الهی راه نمی‌یابد؛ آنچه به پیشگاه او می‌رسد، خلوص نیت و

تقوای عمل است.

در حقیقت، تقوا جان‌مایه و روح تمامی اعمال انسان به شمار می‌رود که از خردترین نیات تا بزرگ‌ترین رفتارها را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در ترازوی عدل الهی در روز جزا، همین تقواست که وزن می‌شود. در این دستگاه محاسباتی، بزرگی یا کوچکی ظاهری اعمال، یا دیده شدن و نشدن آن‌ها توسط خلق، کم‌ترین اهمیتی ندارد؛ زیرا خالق هستی همواره بینا و عالم به سرّ و خفایاست. عید قربان تمرینی است برای پالایش همین نیت‌ها و رسیدن به مقام «محسنین».

کلام معصوم



رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَمَنْ صَدَقَتْ نِيَّتُهُ كَانَتْ أَوَّلُ قَطْرَةٍ لَهُ
كَفَّارَةً لِكُلِّ ذَنْبٍ»^۱

رسول‌الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «هر کس در نیتش صادق باشد،
اولین قطره از خون قربانی‌اش کفّارهٔ تمامی گناهان
او خواهد بود.»

۱. بحار الأنوار؛ ج ۹۶، ص ۳۰۱.



سخن رهبر شهید ^{رحمة الله عليه} عرس

اگر به حکمت مندرج در عید قربان توجه شود، خیلی از راه‌ها برای ما باز می‌شود. در عید قربان یک قدردانی بزرگ الهی نهفته است از پیامبر برگزیده حضرت حق، حضرت ابراهیم ^{السلام علیه} که آن روز ایثار کرد. بالاتر از ایثار جان، در مواردی ایثار عزیزان است. او در راه پروردگار، به دست خود عزیزی را قربان می‌کرد؛ آن هم فرزند جوانی که خدای متعال بعد از عمری انتظار، در دوران پیری به او داده بود؛ که فرمود: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ﴾.^۱ خدای متعال این دو پسر را در دوران پیری، لابد بعد از یک عمر انتظار و اشتیاق، به این پدر داده بود؛ امید فرزند هم دیگر بعد از آن نداشت. سید شهیدان همه عالم، حضرت اباعبدالله الحسین ^{السلام علیه} - که خود مظهر ایثار و مظهر شهادت است - در دعای شریف عرفه از این حادثه یاد می‌کند؛ «و ممسک یدی ابراهیم عن ذبح ابنه بعد کبر سنّه و فناء عمره». این ایثار و این گذشت، یک نماد است برای مؤمنانی که می‌خواهند راه حقیقت را، راه تعالی را، راه عروج به مدارج عالیه

۱. سوره مبارکه ابراهیم/۳۹: «حمد خدای را که در پیری، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید؛ مسلماً پروردگار من، شنونده (و اجابت‌کننده) دعاست».

را طی کنند. بدون گذشت، امکان ندارد. همه امتحان‌هایی که ما می‌شویم، در واقع نقطه اصلی‌اش همین است؛ پای یک ایثار و یک گذشت به میان می‌آید. گاهی گذشت از جان است، از مال است؛ گاهی گذشت از یک حرفی است که کسی زده است، می‌خواهد با اصرار و لجاجت پای آن حرف بایستد؛ گاهی گذشت از عزیزان است؛ فرزندان، کسان. امتحان یعنی عبور از وادی محنت. یک محنتی را، یک شدتی را جلوی پای یک انسانی یا یک ملتی می‌گذارند؛ عبور از این محنت، امتحان است. اگر توانست عبور کند، به آن منزل مقصود می‌رسد؛ اگر نتوانست - نتوانست استعداد مندرج در وجود خود را بروز دهد، نتوانست بر هوای نفس غالب بیاید و عبور کند - می‌ماند؛ امتحان این است.^۱

ایده‌های کنشگری



- نیازی نیست حتماً یک گوسفند کامل قربانی کنید. اهدای مبلغی هرچند اندک به خیریه‌های معتبر برای تهیه گوشت و توزیع میان نیازمندان واقعی می‌تواند شما را در این خیر بزرگ سهیم کند.
- یکی از فلسفه‌های قربانی، گذشتن از تعلقات است. به

۱. بیانات در دیدار مردم اصفهان در روز عید قربان، ۱۳۸۹/۰۸/۲۶.



عنوان یک کنش فردی با بازتاب اجتماعی، یک عادت
-مثل اسراف انرژی، هدر دادن غذا- را ترک کنید یا
می‌توانید لباس‌ها، کتاب‌ها یا وسایل سالمی که دیگر
استفاده نمی‌کنید را بسته‌بندی کرده و به دست افراد
نیازمند برسانید.



۱۵ ذی الحجّه - سالروز ولادت امام

هادی علیه السلام

آیه محوری



﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لِمَا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾؛^۱ «و از آنان امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند؛ چون شکیبایی نمودند، و به آیات ما یقین داشتند.»

۱. سوره مبارکه سجده/۲۴.



دربارهٔ مناسبت



در نیمهٔ ذی‌الحجهٔ سال ۲۱۲ هجری قمری، در قریه «صریا» در نزدیکی مدینهٔ منوره، دهمین پیشوای شیعیان، امام علی بن محمد الهادی النقی علیه السلام دیده به جهان گشود. این منطقه که به دست امام کاظم علیه السلام بنا شده بود، سال‌ها موطن فرزندان و نوادگان آن حضرت به شمار می‌رفت. دربارهٔ تاریخ دقیق ولادت ایشان، اگرچه قول مشهور بر نیمهٔ ذی‌الحجه است، اما برخی مورخان با استناد به فرازی از دعای ناحیه مقدسه، زادروز ایشان را در ماه رجب نیز ذکر کرده‌اند.

پدر بزرگوار ایشان، امام محمد تقی علیه السلام و مادرشان بانویی عارف و پرهیزگار به نام «سمانهٔ مغربیه» بود. در میان القاب متعدد ایشان نظیر نقی، عالم و امین، لقب «هادی» برجستگی ویژه‌ای دارد؛ چراکه آن حضرت در دوران پرآشوب زمانهٔ خویش، برجسته‌ترین هادی و راهنمای مردم به سوی خیر بودند.



ارتباط آیه و مناسبت



قرآن کریم در تبیین جایگاه رفیع امامت و پیشوایی جامعه، ملاک‌ها و شاخصه‌هایی را معرفی می‌کند که عالی‌ترین تجلی آن در سیره و حیات معصومین علیهم‌السلام قابل مشاهده است: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾؛ «و از آنان امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند؛ چون شکیبایی نمودند، و به آیات ما یقین داشتند.»

امامت و هدایتگری به امر الهی ثمرهٔ «صبر» در برابر شدائد و امتحانات و «یقین» به آیات پروردگار است؛ همان‌گونه که برای ابراهیم خلیل علیه‌السلام رقم خورد. حضرت امام هادی نیز در دوران پرآشوب زمانهٔ خویش، برجسته‌ترین هادی و راهنمای مردم به سوی خیر بودند. دوران امامت ایشان مصادف با یکی از سخت‌ترین و خفقان‌آورترین مقاطع تاریخ اسلام بود. با این حال، امام هادی علیه‌السلام با تحمل رنج و محدودیت‌های شدید، کشتی جامعهٔ اسلامی را در دل طوفان شبهات و انحرافات فکری به سلامت به ساحل حقیقت رهنمون ساختند.



کلام معصوم



أبي الحسن الثالث عليه السلام: «أذْكَرُ حَسْرَاتِ التَّفْرِيطِ بِأَخْذِ
تَقْدِيمِ الْحَزْمِ.»

امام هادی عليه السلام: «افسوس‌های ناشی از
کوتاهی نمودن در کار را به یاد آر و دوراندیشی را در
پیش گیر.»

عزم سخن رهبر شهید الله رحمة عليه

حدیثی دربارهٔ کودکی حضرت هادی عليه السلام است که وقتی
معتصم در سال دویست و هجده هجری حضرت جواد عليه السلام را
دو سال قبل از شهادت ایشان از مدینه به بغداد آورد، حضرت
هادی عليه السلام که در آن وقت شش ساله بود به همراه خانواده‌اش
در مدینه ماند؛ پس از آن که حضرت جواد عليه السلام به بغداد آورده
شد، معتصم از خانوادهٔ حضرت پرس و جو کرد و وقتی شنید
پسر بزرگ حضرت جواد علی بن محمد عليهما السلام شش سال دارد،
گفت این خطرناک است، ما باید به فکرش باشیم.

۱. بحار الأنوار؛ ج ۷۵، ص ۳۷۰.



معتصم شخصی را که از نزدیکان خود بود مأمور کرد که از بغداد به مدینه برود و در آنجا کسی را که دشمن اهل بیت علیهم‌السلام است پیدا کند و این بچه را بسپارد به دست آن شخص تا او به عنوان معلم این بچه را دشمن خاندان خود و متناسب با دستگاه خلافت بار بیاورد. این شخص از بغداد به مدینه آمد و یکی از علمای مدینه را به نام «الجنیدی» که جزو مخالف‌ترین و دشمن‌ترین مردم با اهل بیت علیهم‌السلام بود - در مدینه از این قبیل علما آن وقت بودند - برای این کار پیدا کرد و به او گفت «من مأموریت دارم که تو را مربی و مؤدب این بچه کنم، تا نگذاری هیچ‌کس با او رفت‌وآمد کند و او را آن‌طور که ما می‌خواهیم تربیت کن.»

حضرت هادی علیه‌السلام هم همان‌طور که گفتم در آن موقع شش سال داشت و امر، امر حکومت بود؛ چه کسی می‌توانست در مقابل آن مقاومت کند؟ بعد از چند وقت یکی از وابستگان دستگاه خلافت الجنیدی را دید و از بچه‌ای که به دستش سپرده بودند سؤال کرد. الجنیدی گفت: «بچه؟ این بچه است؟ من یک مسئله از ادب برای او بیان می‌کنم، او باب‌هایی از ادب را برای من بیان می‌کند که من استفاده می‌کنم! این‌ها کجا درس خوانده‌اند؟ گاهی به او وقتی می‌خواهد وارد حجره شود می‌گوییم یک سوره از قرآن



بخوان بعد وارد شو - می خواسته اذیت کند - می پرسد چه سوره‌ای بخوانم؟ من به او گفتم سوره بزرگی، مثلاً سوره آل عمران را بخوان. او خوانده و جاهای مشککش را هم برای من معنا کرده است. این‌ها عالمنند، حافظ قرآن و عالم به تأویل و تفسیر قرآنند؛ بچه؟!»

ارتباط این کودک که علی‌الظاهر کودک است اما ولی الله است - «و آتیناه الحُکم صَبِيًّا» - با این استاد مدتی ادامه پیدا کرد و استاد شد یکی از شیعیان مخلص اهل بیت. «شد غلامی که آب جو آرد / آب جوی آمد و غلام بُرد». در همه میدان‌ها غلبه با این‌ها بود و همه جا آن‌ها شکست خوردند!

ایده‌های کنشگری



- زیارت «جامعه کبیره» از مهم‌ترین یادگارهای امام هادی علیه السلام است. می‌توانید یک فراز کوتاه و پرمعنا از این زیارتنامه را انتخاب کرده و در جلسه بخوانید تا بیش‌تر با معرف و اندیشه‌های اهل بیت علیهم السلام آشنا شوید.

۱. انسان ۲۵۰ ساله؛ بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی مبارزاتی ائمه معصومین علیهم السلام، با تلخیص.





۱۸ ذی الحجّه - عید سعید غدیر

آیه محوری



﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ^{صلى} وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ ^ج وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ^{ظلى} إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾؛ «ای پیامبر، آنچه را از پروردگارت [درباره ولایت و رهبری علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین ^{عليهما السلام}] بر تو نازل شده است به مردم برسان. اگر چنین نکنی امر رسالت او را ادا نکرده‌ای. خدا تو را از مردم حفظ می‌کند، و خدا مردم کافر را راه نخواهد نمود.»

۱. سوره مبارکه مائده/۶۷.



دربارهٔ مناسبت



کاروان گران سنگ و بیرون از شمار حاجیان، پهنهٔ تفتیدهٔ دشت را می شکافت. آفتاب نیمروز حجاز، بی دریغ آتش خویش بر سروروی هزاران تن می پراکند که پس از گزاردن مناسک «حجة الوداع»، کعبه را وانهاده و در پی پیامبر خویش، راه مدینه در پیش گرفته بودند. هجدهمین روز از ماه ذی الحجّه بود.

به وادی «غدیر خم» اندر ناگاه همان سنگینی آشنا و شگرف بر جان محمد نشست. قلب هستی، گویی دگر بار در سینهٔ سوزان صحرا از تپش بازایستاد. فضایی اثری سراسر دشت را فراگرفت. جبرئیل بود؛ همان پیک آشنای آسمانی، با همان شکوه فرازمینی که حضورش جمله افق را پر ساخته بود. فرمان فرمان قاطع پروردگار بود: «آنچه را از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است، ابلاغ کن...»

محمد، تن کوفته از راه اما روح افروخته از حرارت وحی، فرمان درنگ داد. آوایی در دشت پیچید. پیش رفتگان را بازخواندند و بازماندگان را در انتظار نشستند، تا آن دریای مواج آدمیان در میانهٔ دشت خشک گرد هم آمدند. خاربوته‌ها را از میان بردند و از جهاز شتران منبری برکشیدند.



پیامبر بر فراز آن‌ها شد. سکوتی ژرف بر آن همه‌چیزه گشت؛ تنها نجوای باد گرم بود و نفس‌های حبس‌شده در سینه‌ها. محمد، در برابر دیدگان منتظر، علی بن ابی‌طالب را به سوی خویش خواند. دست او را گرفت و چندان بالا برد که سپیدی زیر بازوانشان آشکار گشت. سپس، با صدایی که گویی از مرز زمان می‌گذشت و در گوش جان آیندگان نیز می‌نشست، ندا داد: «آیا من بر شما از خودتان سزاوارتر نیستم؟» خروشی از جمعیت برخاست: «آری، ای رسول خدا.» پس آن کلام تاریخ‌ساز در پهنه دشت طنین افکند: «خداولی ماست، من را ولی شما قرار داده و زین پس، هر که را من مولا و رهبرم، علی مولا و رهبر خواهد بود... پروردگارا! دوست بدار آن که او را دوست دارد، و دشمن دار آن که با او دشمنی ورزد.»

طبیعت، رها شده از آن سکون متمادی، گویی نفس تازه‌ای کشید. در پس پرده، انگار فرشتگان آسمان نیز به همه‌اندر بودند. ولوله‌ای در میان حاجیان افتاد. حق آشکارتر از خورشید نیم‌روز چهره نموده بود. سربه‌سر دشت بود و غریو شادی؛ و دینی که اینک به کمال خویش رسیده بود.

کلام معصوم



رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ أَفْضَلُ أَعْيَادِ أُمَّتِي وَهُوَ
الْيَوْمُ الَّذِي أَمَرَنِي اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ فِيهِ بِنَصَبِ أَخِي عَلِيِّ بْنِ
أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَمًا لِأُمَّتِي يَهْتَدُونَ بِهِ مِنْ بَعْدِي
وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ فِيهِ الدِّينَ وَآتَمَّ عَلَى أُمَّتِي فِيهِ
النِّعْمَةَ وَرَضِيَ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا.»^۱

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله: «نیکوترین عیدهای امت من،
عید غدیر خم است و آن روزی است که خداوند
مرا فرمان داد تا برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام را به
امامت امت منصوب سازم تا پس از من از جانب
او رهبری و هدایت شوند. عید غدیر روزی است که
خداوند دین اسلام را در آن هنگام کامل ساخت و
نعمت خویش را بر امتم تمام کرد و اسلام را آیین
پسندیده آنان شناساند.»

۱. الأُمالی (للصدوق)؛ ج ۱، ص ۱۲۵.



سخن رهبر شهید ^عع

مسئله غدیر جزو مسائلی است که در پیرامون آن فکرکردن، امروز به جامعه اسلامی و به خصوص به مردم و کشور ما خیلی کمک می‌کند برای این که راه درست حرکت را گم نکنند. دو سه نکته را در پیرامون مسئله غدیر عرض می‌کنیم.

یک نکته خود واقعه غدیر است. دنیای اسلام در زمان پیامبر اکرم ^{صلی الله علیه و آله} که بالنسبه وسعتی پیدا کرده بود، شاهد یک امر بسیار مهمی بودند و آن اعلام جانشینی امیرالمؤمنین ^{علیه السلام} بود. قضیه حادثه غدیر را فقط شیعه نقل نکردند، محدثین اهل سنت و بزرگان اهل سنت هم بسیاری این حادثه را نقل کردند، ولی فهم آن‌ها از مسئله گاهی متفاوت است؛ اما اصل این حادثه در بین مسلمین جزو مسلمات محسوب می‌شود. این حادثه که تعیین جانشین برای پیغمبر ^{صلی الله علیه و آله} در ماه‌های آخر زندگی ایشان - تقریباً هفتاد روز به پایان زندگی پیغمبر - بود، رخ داده است و در حقیقت خود نشان دهنده اهمیت مسئله حکومت و سیاست و ولایت امر امت اسلامی از نظر اسلام است. این که امام بزرگوار ما و پیش از ایشان بسیاری از بزرگان فقها بر روی مسئله وحدت

دین و سیاست و اهمیت مسئله حکومت در دین تکیه می‌کردند، ریشه‌اش در تعالیم اسلام و از جمله در درس بزرگ غدیر است. این اهمیت موضوع را می‌رساند. مسئله حکومت یک مسئله اساسی و مهم و درجه اول در اسلام است؛ نمی‌شود نسبت به مسئله حکومت و حاکمیت بی‌اعتناء و بی‌تفاوت بود. نقش حکومت‌ها هم در هدایت مردم یا در گمراه کردن مردم امری است که تجربه بشر به آن حکم می‌کند.

نکته دیگر در کنار این مسئله این است که در واقعه غدیر، پیغمبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را معرفی کردند. خصوصیات که در آن دوران و در دوران‌های بعد زندگی به آن شناخته شد، چه بود؟ این‌ها برای ما معیار است. امیرالمؤمنین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اولین خصوصیتش دلبستگی و پایبندی به رضای الهی و حرکت در مسیر صراط مستقیم بود؛ هر مقداری که دشواری داشته باشد، هرچه مجاهدت بخواهد، هرچه گذشت بخواهد. این مهم‌ترین خصوصیت امیرالمؤمنین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است.

امیرالمؤمنین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ کسی است که برای خدا و در راه خدا از دوران کودکی تا لحظه شهادت یک لحظه و در یک قضیه پا عقب نکشید و دچار تردید نشد و همه وجود خود را در راه



خدا به میدان آورد. آن وقتی که باید تبلیغ می‌کرد، تبلیغ کرد؛ آن وقتی که باید شمشیر می‌زد، در رکاب پیغمبر شمشیر زد و از مرگ نترسید؛ آن وقتی که لازم بود صبر کند، صبر کرد؛ آن وقتی که لازم بود زمام سیاست را به دست بگیرد، سیاست را به دست گرفت و وارد میدان سیاست شد. و در همه این دوران‌های گوناگون، آنچه لازمه فداکاری از آن بزرگوار بود، بروز و ظهور پیدا کرد. پیغمبر اکرم یک چنین کسی را در رأس جامعه اسلامی قرار می‌دهد. این یک درس برای امت اسلامی است؛ فقط یک حافظه تاریخی و خاطره مربوط به قرن‌های گذشته نیست. این نشان می‌دهد که برای اداره جامعه اسلامی و امت اسلامی، معیارها این‌هاست: خداپرستی، در راه رضای خدا مجاهدت کردن، جان و مال را به عرصه آوردن، از هیچ سختی و مشکلی روگردان نبودن، و از دنیا اعراض کردن. این قله امیرالمؤمنین علیه السلام است، شاخص وجود امیرالمؤمنین علیه السلام است.

یک چنین انسان والا و بزرگ و بی‌اعتنای به دنیا، به زر و زیورها، آماده برای جانفشانی در راه حق و حقیقت است که می‌تواند جوامع بزرگ انسانی را نجات بدهد. تسلیم خواهش‌های نفسانی نشود، مصلحت‌های حقیر شخصی او را مغلوب حوادث بزرگ زندگی نکند.

امروز شما نگاه کنید به سطح زندگی بشریت در دنیا؛ رؤسای کشورها، مدیران امور سیاست ملت‌ها را نگاه کنید؛ کدامشان حاضرند از منافع شخصی خودشان صرف‌نظر کنند و بگذرند؛ آنجایی که این منفعت برایشان دم دست است و می‌توانند از آن بهره بگیرند؟ کدامشان حاضرند جان خودشان را در راه مصلحت ملتشان و کشورشان قربانی کنند و فدا کنند؟ کدامشان حاضرند پا روی رودربایستی‌ها و ملاحظه‌کاری‌ها بگذارند؟ امروز فقر بزرگ بشریت از جمله، فقر همین‌گونه مردان است که اسلام نمونه عالی آن را به بشریت نشان داده است.

یک نکته دیگر هم در باب مسئله غدیر عرض کنیم. مسئله غدیر برای ما شیعیان پایه عقیده شیعی است. ما معتقدیم که بعد از وجود مقدس نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ امام به حق برای امت اسلامی، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام بود؛ این، پایه و مایه اصلی عقیده شیعه است. معلوم است که برادران اهل سنت ما این عقیده را قبول ندارند؛ جور دیگری نظر می‌دهند، جور دیگری فکر می‌کنند. لکن همین قضیه غدیر در یک نقطه وسیله و مایه اجتماع امت اسلامی است و او شخصیت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام است. درباره شخصیت و عظمت این انسان بزرگ و والا بین مسلمین اختلافی

نیست. امیرالمؤمنین علیه السلام را همه در همان نقطه عالی و سامی که باید به او در آن نقطه نگریست - از لحاظ علم، از لحاظ تقوا، از لحاظ شجاعت - می‌نگرند و می‌بینند؛ یعنی ملتقای عقیده همه آحاد امت اسلامی امیرالمؤمنین علیه السلام است.

آنچه که ما امروز باید به آن توجه کنیم، این است که شیعه این عقیده را برای خود مثل جان عزیز در طول قرن‌های متمادی حفظ کرده است؛ با وجود دشمنی‌ها. اما توجه بکنید که این اعتقاد مایه دعوا و نزاع نباید بشود. می‌بینیم که دشمن چه نیتی دارد از ایجاد اختلاف بین آحاد امت اسلامی به عناوین مختلف، از جمله با عنوان شیعه و سنی. دشمن یعنی دشمن اسلام، دشمن قرآن، دشمن مشترکات، دشمن توحید؛ نه دشمن یک بخشی از اسلام. دشمن دید که وقتی انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد، عظمت این انقلاب و تشعشع این انقلاب، چطور در دنیای اسلام و در کشورهای اسلامی توانست دل‌ها را به خود جذب کند؛ دل‌هایی که شیعه نبودند. از اتحاد دل‌ها، از توجه دل‌ها به جمهوری اسلامی دشمن ضربه خورد. می‌خواهد این توجه را از بین ببرد؛ چه جور؟ با ایجاد دشمنی بین شیعه و سنی.

چه چیزی می‌تواند دل‌های دنیای اسلام را از جمهوری اسلامی و از ملت ایران جدا کند؟ همین اختلاف‌ها و تعصب‌های مذهبی است. از این باید ترسید. همه مسئولند که مراقبت کنند. این که در دنیای تشیع علیه برادران اهل سنت، در دنیای تسنن علیه برادران شیعه کتاب بنویسند، تهمت بزنند، بدگویی کنند، این نه هیچ شیعه‌ای را سنی خواهد کرد، نه هیچ سنی‌ای را شیعه خواهد کرد. این بغضاء و دشمنی و جدایی همان چیزی است که امروز آمریکا می‌خواهد، صهیونیست‌ها می‌خواهند و دارند برای آن تلاش می‌کنند. در یک کشور اروپایی مسیحی استعمارگر و دشمن تاریخی و بنیادین با کشورهای اسلامی، شما می‌بینید توی تلویزیونشان، مناظره شیعه و سنی راه می‌اندازند. مقصودشان چیست؟ می‌خواهد حقیقت معلوم بشود؟ یا می‌خواهد این آتش اختلاف را تشدید کند؟

این جور نباشد که کسی از یک گوشه‌ای خیال کند دارد از شیعه دفاع می‌کند و تصور کند دفاع از شیعه به این است که بتواند آتش دشمنی ضد شیعه و غیر شیعه را برانگیزد. این دفاع از شیعه نیست؛ این دفاع از ولایت نیست. اگر باطنش را بخواهید، این دفاع از آمریکاست؛ این دفاع از

صهیونیست‌هاست. استدلال منطقی هیچ اشکالی ندارد؛ کتاب‌ها بنویسند، استدلال کنند؛ علمای ما نوشتند، امروز هم می‌نویسند و بنویسند. ما در فروع، در اصول، در بسیاری از مسائل، نظرات مستقل شیعی داریم، این‌ها را استدلال کنند، بیان کنند؛ آنچه که غیر از این‌هاست، آن را با استدلال منطقی رد کنند؛ هیچ مانعی ندارد. اما این غیر از اهانت کردن، بدگویی کردن، دشمنی درست کردن است!

ایده‌های کنشگری



• کتاب‌های مختلف علمی و داستانی دربارهٔ غدیر خم و شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام نگاشته شده است. شما می‌توانید کتاب‌هایی نظیر «بچه‌ای که نمی‌خواست آدم باشد»، «والفور؛ دسیسه‌گری از هلاس» و کتاب «غدیر» اثر استاد علی صفایی حائری را متناسب با سن مخاطبان در جلسهٔ خود معرفی کنید.

۱. بیانات در دیدار جمعی از مردم در روز عید غدیر، ۱۳۸۷/۰۹/۲۷.





۲۰ ذی الحجّه - سالروز ولادت امام

کاظم عليه السلام

آیه محوری



﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۱
«آنان که اموال خویش را در شب و روز، در پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، اجرشان با پروردگارشان است و نه بیمناک می‌شوند و نه غمگین.»

۱. سوره مبارکه بقره/۲۷۴.



دربارهٔ مناسبت



موسی بن جعفر علیه السلام، پیشوای هفتم شیعیان، در سال ۱۲۸ هجری قمری در منطقه «ابواء» میان مکه و مدینه دیده به جهان گشود. ولادت ایشان مصادف با سال‌های پایانی و پیرالتهاب حکومت امویان و آغاز تحرکات عباسیان بود. ایشان در دامان پدری چون امام صادق علیه السلام و مادری چون «حمیده خاتون» که از بانوان پرهیزگار و عالمهٔ عصر خویش بود، پرورش یافت.

دوران امامت ایشان بایکی از سخت‌ترین ادوار سیاسی تاریخ اسلام یعنی خلافت منصور، مهدی، هادی و هارون الرشید عباسی همزمان بود. با این حال، سیرهٔ فردی و اجتماعی امام علیه السلام در این دوران پرفرازونشیب، الگویی بی‌بدیل از استقامت، مدارا و بندگی را به تصویر می‌کشد.

یکی از بارزترین ویژگی‌های امام هفتم که در منابع شیعه و اهل سنت بر آن تأکید شده، عمق و کثرت عبادت ایشان است؛ تا جایی که به «عبد صالح» و «زین‌المجتهدین» ملقب شدند. حتی زندان‌های تاریک هارون الرشید فرصتی برای خلوت با معبود برای ایشان بود. از ویژگی‌های دیگر حضرت می‌توان به خویشتن‌داری و سخاوتمندی اشاره کرد.



ایشان را به سبب بردباری شگفت‌انگیز ایشان در برابر بدرفتاری‌ها و آزارهای مخالفان «کاظم» لقب دادند.

ارتباط آیه و مناسبت



سیرهٔ امام هفتم، حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام، منظومه‌ای درخشان از کرم، بخشش و اتکای مطلق به پروردگار است. جود و سخاوت ایشان محدود به زمان و مکان خاصی نبود و در پنهان و آشکار، پناه نیازمندان بود. امام علیه‌السلام در تاریکی شب‌ها، کیسه‌های آذوقه را بر دوش می‌کشید و به صورت ناشناس میان فقرای مدینه توزیع می‌کرد. این هدایای شبانه به قدری در گره‌گشایی از کار مردم مؤثر بود که ضرب‌المثل «کیسه‌های موسی بن جعفر» در میان اهالی آن دیار رواج یافته بود.

در آشکار نیز، جود و بخشش ایشان مرزی نمی‌شناخت. ایشان با اهدای صله و کمک مالی به کسانی که به ایشان بی‌احترامی کرده بودند، خشم و کینهٔ آنان را به شرمساری و ارادت تبدیل می‌کردند.

سرچشمهٔ این سخاوت بی‌دریغ و آرامش درونی، «توکل» عمیق و راستین ایشان به پروردگار بود. امامی که نقش نگین انگشتری‌اش عبارت «حسبی الله» بود، سرچشمهٔ



تمام رزق‌ها و گشایش‌ها را تنها در دستان خالق می‌دید.

کلام معصوم



مُوسَىٰ بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»

امام موسی کاظم علیه السلام: «بهترین عبادت پس از معرفت خدا، انتظار فرج است.»

سخن رهبر شهید علیه السلام

یک نکات بسیار ریز و روشن نشده‌ای در زندگی موسی بن جعفر علیهما السلام است. موسی بن جعفر علیهما السلام یقیناً یک دورانی را در خفا زندگی می‌کرده است. اصلاً زندگی زیرزمینی که معلوم نبوده کجاست، که در آن زمان خلیفه وقت، افراد را می‌خواست، از آن‌ها تحقیق می‌کرد که «موسی بن جعفر علیهما السلام را شما ندیدید؟ نمی‌دانید کجاست؟» و آن‌ها اظهار می‌کردند که نه؛ حتی یکی از افراد را موسی بن جعفر علیهما السلام به او گفتند که «تو را خواهند خواست و راجع

۱. بحار الأنوار؛ ج ۷۵، ص ۳۲۶.



به من از تو سئوال خواهند کرد که تو کجا دیدی موسی بن جعفر علیه‌السلام را؛ به کلی منکر بشو، بگو من ندیدم؛» همین جور هم شد. آن شخص زندانش کردند، بردند برای این که از او بپرسند موسی بن جعفر علیه‌السلام کجاست. شما ببینید زندگی یک انسان این جوری، زندگی کیست. یک آدمی که فقط مسئله می‌گوید، معارف اسلامی بیان می‌کند، هیچ کاری به کار حکومت ندارد، مبارزه سیاسی نمی‌کند، که زیر چنین فشارهایی قرار نمی‌گیرد. حتی در یک روایتی من دیدم که موسی بن جعفر علیه‌السلام در حال فرار و در حال اختفا در دهات شام می‌گشته: «وقع موسی بن جعفر فی بعض قری الشّام هاربا متنکرا فوق فی غار». که توی حدیث هست، روایت هست، که موسی بن جعفر علیه‌السلام مدتی اصلاً در مدینه نبوده است؛ در روستاهای شام تحت تعقیب دستگاه‌های حاکم وقت و مورد تجسس جاسوس‌ها، از این ده به آن ده، از آن ده به آن ده، بالباس مبدل و ناشناس که حضرت به یک غاری می‌رسند و در آن غار وارد می‌شوند و یک فرد نصرانی در آنجاست، حضرت با او بحث می‌کنند - و در همان وقت هم از وظیفه و تکلیف الهی خودشان که تبیین حقیقت هست، غافل نیستند - با آن نصرانی صحبت می‌کنند و نصرانی را مسلمان می‌کند. زندگی پرماجرای موسی بن جعفر علیه‌السلام یک

چنین زندگی است که شما ببینید این زندگی چقدر زندگی پرشور و پرهیجانی است. ما امروز نگاه می‌کنیم موسی بن جعفر علیه‌السلام خیال می‌کنیم یک آقای مظلوم بی‌سروصدای سربه‌زیری در مدینه بود و رفتند مأمورین این را کشیدند آوردند در بغداد، یا در کوفه، در فلان‌جا، در بصره زندانی کردند، بعد هم مسموم کردند، از دنیا رفت، همین و بس؛ قضیه این نبود. قضیه یک مبارزه طولانی، یک مبارزه تشکیلاتی، یک مبارزه‌ای با داشتن افراد زیاد در تمام آفاق اسلامی بود.^۱

ایده‌های کنشگری



- می‌توانید به پویش‌های مردمی آزادی زندانیان جرائم غیرعمد کمک مالی کنید.
- برای آشتی با دوست یا خویشاوندی که به دلیل کدورت با او قطع ارتباط کرده‌اید، پیش قدم شوید.
- در موقعیت‌های پرتنش روزمره مثل ترافیک سعی کنید به تاسی از امام کاظم علیه‌السلام، خشم خود را کنترل کنید.

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۴/۰۱/۲۳.





۲۴ ذی الحجّه - سالروز مباحله پیامبر با نصرانیان

آیه محوری



﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا
نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ
ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾؛ «پس هر
کس با تو درباره عیسی در مقام مجادله برآید بعد
از آن که به احوال او آگاهی یافتی، بگو: بیایید ما و
شما فرزندان و زنان و کسانی را که به منزله خودمان

۱. سوره مبارکه آل عمران ۶۱.



هستند بخوانیم، سپس به مباحله برخیزیم (در حق یک دیگر نفرین کنیم) تا دروغ‌گویان (و کافران) را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم.»

دربارهٔ مناسبت



آوازهٔ دین جدید دیگر مرزهای حجاز را درنوردیده و به دورترین آبادی‌ها رسیده بود. پیک‌های رسول خدا، نامه‌های دعوت را به اقصا نقاط برده بودند. یکی از این نامه‌ها به «نجران» رسید؛ منطقه‌ای خوش آب‌وهوا در نزدیکی یمن که پایگاه بزرگ مسیحیان شبه جزیره به شمار می‌رفت.

پیام محمد روشن بود: پذیرش اسلام یا پرداخت جزیه. اسقف اعظم و بزرگان نجران که تا آن روزگار، پادشاهان نیز با آنان به تکریم سخن می‌گفتند، از لحن قاطع نامه به شگفت آمدند. پس از رایزنی‌های بسیار، کاروانی از دانایان و اشراف خویش را برگزیدند تا راهی یثرب شوند و با این مدعی پیامبری از نزدیک مناظره کنند.

کاروان نجران با شکوهی خیره‌کننده وارد مدینه شد؛ سوار بر اسب‌های آراسته، با جامه‌های حریر رومی، انگشترهای یاقوت و صلیب‌های زرین آویخته بر گردن. تجمل و غرور از



سر و رویشان می‌بارید. سادگی مسجد و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ آن‌ها را به تعجب واداشته بود.

روزهای بعد، مدینه صحنهٔ بحث و مجادله‌ای طولانی بود. نجرانیان بر الوهیت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام پای می‌فشردند و او را پسر خدا می‌خواندند، چرا که بدون پدر به دنیا آمده بود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ آیات الهی را بر آنان خواند و آفرینش عیسی را به آفرینش آدم تشبیه کرد که خداوند او را از خاک آفرید، بی‌آن‌که پدر یا مادری داشته باشد. دلیل روشن و قاطع بود، اما تعصب ریشه‌دار، پرده بر چشم نجرانیان کشیده بود. آنان از پذیرش حق سر باز زدند و بر سخن خویش پافشاری کردند؛ پس آن‌گاه: «بگو بیایید پسرانمان و پسرانتان، زنانمان و زنانتان، و جان‌هایمان و جان‌هایتان را فرا خوانیم؛ سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم.» هراسی گنگ در دل‌های نجرانیان چنگ انداخت. مهلت خواستند تا با یکدیگر مشورت کنند.

شامگاهان، در خیمه‌گاه مسیحیان، اسقف اعظم که مردی جهان‌دیده و دانا بود، رو به همراهان نگران خود کرد و گفت: «فردا بنگرید؛ اگر محمد با هیاهو، سپاهیان و یاران کثیر خود را به میدان آورد، بدانید که پادشاهی بیش نیست و با او مباحله کنید. اما... اما اگر تنها با نزدیک‌ترین عزیزانش

قدم به دشت گذاشت، زنهار که با او درنیفتید. که اگر چنین کند، پیامبری برحق است و جان خود و عزیزانش را بیهوده در معرض غضب الهی قرار نمی‌دهد.» شب با سنگینی و اضطراب بر اردوی نجرانیان گذشت.

صبحگاهان بیست و چهارمین روز از ذی‌الحجه فرا رسید. آفتاب رنگ‌پریده بامدادی آرام‌آرام بر مدینه دامن می‌کشید، لیک گویی در پس پشت آن آرامش، ولوله‌ای نهفته بود. در کرانه‌ای از دشت، بزرگان و اسقف مسیحیان نجران، در جامه‌های فاخر و آراسته خویش، در انتظار ایستاده بودند. آنان در پی روزها مناظره و لجاج، اینک پای به میدان مباحله نهاده بودند و در دل می‌پنداشتند که محمد با سپاهی گران، یارانی بیرون‌ازشمار و شوکتی ظاهری رخ خواهد نمود. ناگاه، از جانب شهر، غباری برخاست و هیئتی پدیدار گشت. نه صدای چکاچک شمشیری در دشت پیچید و نه غریو لشکری. محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بود؛ آرام، بی‌تکلف و پرشکوه؛ ولی، تنها نبود.

او عزیزترین کسان خویش را به همراه آورده بود؛ کودکی را در آغوش داشت و دست کودکی دیگر را در دست. پشت سر او، زنی در هاله‌ای از نور و حیا گام برمی‌داشت و مردی استوار و شکوهمند - جان پیامبر - سایه‌به‌سایه آنان

می‌آمد. علی، فاطمه، حسن و حسین. کوه و دشت گویی زیر لب بر این برگزیدگان آدمیان درود می‌گفتند. پیامبر خدا ﷺ، در برابر دیدگان منتظر و حیرت‌زدهٔ نجرانیان، بر دو زانو نشست تا دست به دعا بردارد و لعنت خداوند را بر دروغ‌گویان فراخواند.

اسقف نجران، مبهوت و خیره، نگاهی به آن چهره‌های غرق نور انداخت. بیم و خلجانی بر جاننش افتاد. لرزشی سرد در عمق استخوان‌هایش گذشت. رو به همراهان خویش چرخانید و با صدایی که از هراس می‌لرزید، گفت: «من صورت‌هایی را می‌بینم که اگر از خدا درخواست کنند کوهی را از جای خود برکند، هرآینه‌کنده خواهد شد. مباحله مکنید که هلاک می‌شوید و پیش از آن‌که سال بر ما بگذرد، یک نصرانی بر روی زمین نخواهد ماند. اگر محمد بر حق نبود، با عزیزترین کسانش نمی‌آمد.»

غرور نجرانیان در هم شکسته بود. به ناچار، پیک مصالحه را پیش فرستادند: «ما را از مباحله معاف بدار!» و به پرداخت جزیه گردن نهادند.

کلام معصوم



مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ: «أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ
الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»^۱

حضرت صاحب‌الزمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ: برای تعجیل فرج
بسیار دعا کنید که همان فرج و گشایش شماست.

سخن رهبر شهید عَسَم رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ

روز مباهله، روزی است که پیامبر مکرم اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، عزیزترین
عناصر انسانی خود را به صحنه می‌آورد. نکته مهم در باب
مباهله این است: «و انفسنا و انفسکم» در آن هست؛
«و نساءنا و نساءکم» در آن هست؛ عزیزترین انسان‌ها
را پیغمبر اکرم انتخاب می‌کند و به صحنه می‌آورد برای
مواجه‌ای که در آن باید مایز بین حق و باطل و شاخص
روشنگر در معرض دید همه قرار بگیرد. هیچ سابقه نداشته
است که در راه تبلیغ دین و بیان حقیقت، پیغمبر دست
عزیزان خود، فرزندان خود و دختر خود و امیرالمؤمنین

۱. معدن الجواهر و ریاضة الخواطر؛ ص ۳۴.



را - که برادر و جانشین خود هست - بگیرد و بیاورد وسط میدان؛ استثنایی بودن روز مباهله به این شکل است. یعنی نشان‌دهنده این است که بیان حقیقت، ابلاغ حقیقت، چقدر مهم است؛ می‌آورد به میدان با این داعیه که می‌گوید بیاییم مباهله کنیم؛ هر کدام بر حق بودیم، بماند، هر کدام برخلاف حق بودیم، ریشه‌کن بشود با عذاب الهی.

همین قضیه در محرم اتفاق افتاده است به شکل عملی؛ یعنی امام حسین علیه السلام هم برای بیان حقیقت، روشنگری در طول تاریخ، عزیزترین عزیزان خود را بر می‌آورد وسط میدان. امام حسین علیه السلام که می‌دانست حادثه چه جور تمام خواهد شد؛ زینب را آورد، همسران خود را آورد، فرزندان خود را آورد، برادران عزیز خود را آورد. اینجا هم مسئله، مسئله تبلیغ دین است؛ تبلیغ به معنای حقیقی کلمه؛ رساندن پیام، روشن کردن فضا؛ ابعاد مسئله تبلیغ را این‌جوری می‌شود فهمید که چقدر مهم است.^۱

ایده‌های کنشگری



• می‌توانید در جلسه خود کتاب «دعوت مردی که راست

۱. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۱۳۸۸/۰۹/۲۲.





خرداد ۱۴۰۵

می‌گفت» اثر ابراهیم حسن بیگی را معرفی کنید که به
حادثهٔ مباحله برای کودکان و نوجوانان به شکل داستانی
می‌پردازد.



